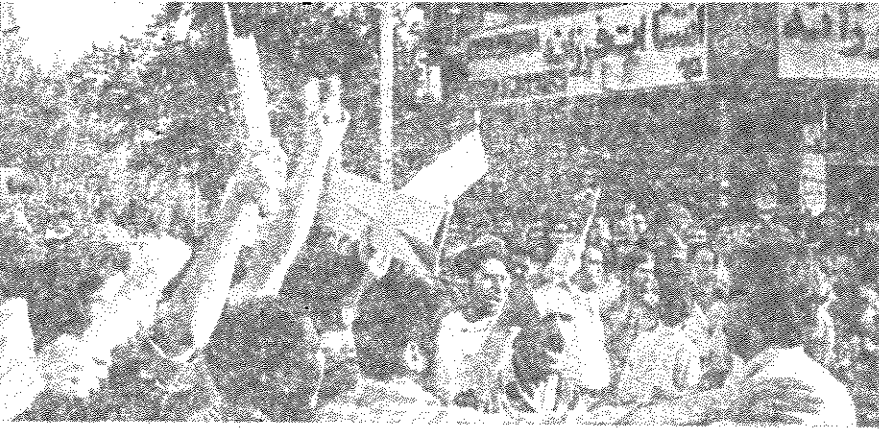


مخبر

تک شماره ۱۵ ریال ارگان مرکزی سازمان انقلابی

مطبوعات وابسته را تصفیه و افشاء نموده از آزادیهای خلق دفاع کنیم

به اکثریت خلق خدمت کنند ، و یاد اور بقیه در صفحه ۴



محندای از تظاهرات گروههای موافق و مخالف در روز یکشنبه

مصادره‌ی چاپخانه‌آیندگان و دستگیری مدهای از کارکنان آن بار دیگر مسئله مطبوعات را به مسئله روز تبدیل نموده است. در همه جا دو سؤال اساسی مطرح شده :

- ۱- آیا اتهامات وارده به آیندگان توسط دادستان انقلاب صحیح است؟ آیا آیندگان یک نشریه وابسته به ساواک ، صهیونیستها و امریکائی است؟
 - ۲- آیا شیوه‌ای که دادستان انقلاب در توقیف آیندگان و دستگیری کارکنان آن بکار برده صحیح می‌باشد؟
- ما از همان آغاز باهیت پاره‌ای از روزنامه‌های تهران را که از مضمی خدمت به امپریالیسم به ویژه امریکا و شوروی پیروی کردند ، افشاء نمودیم .
در مورد ماجرای اول آیندگان در اردیبهشت ماه نوشتیم که : "مطبوعات باید

* درسهائی از ۲۸ مرداد *

به خون خفته یعنی استقلال ، آزادی و عدالت اجتماعی برای خلقهای ایران را که در لابلای صفحات تاریخ بر افتخار ملت به یادگار مانده است ، به گار می‌بندند و یابی توجه به آن در پی منافع قشری ، گروهی و تنگ نظرانه‌ی خود خواهند رفت ؟
این درسا چه هستند ؟
۱- خلق به یا خاسته ایران به رهبری محمد مصدق یک نهضت بزرگ تاریخی را علیه امپریالیسم انگلستان و عوامل وابسته به آن به پیش برد . صنایع نفت را در سراسر کشور ملی کرد . حملات متعدد دربار وابسته به امپریالیسم را دفع نمود . اما امپریالیسم بقیه در صفحه ۶

معیاد استبدادی وابسته شاهنشاهی قربانی شد .
بیش از دو دهه دیگر گذشت تا اینکه خلق توانست با فداکاری و از خود گذشتگی فراوان و با زعامت امام خمینی استبداد وابسته را سرنگون کند . ولی آیا نهضت بزرگ توده‌ها و نیروهای سیاسی خلق اجازه خواهند داد بار دیگر امپریالیستها و مضمی خود فروخته و اوپاشی و ارادل آنان را غافلگیر کنند ؟
این امر بسته به آن است که آیا مردم ما و نیروهای سیاسی کشورمان از تجربه‌ای که به قیمت خونها و سختیهای سالیان دراز گذشته به دست آمده درس خواهند گرفت یا نه ؟ آیا آنچه را که به مثابه وصیت شهیدان

بیست و هشت سال از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ روزی که مضمی عوامل سر سبیده و اوپاشی به همراهی جمعی از ارتشیان به مردم مداری زاهدی با دلار و سر کردگی شوار تسکف امریکایی ، ملت ایران را غافلگیر کرده و دولت ملی مصدق را سرنگون کردند می‌گذرد .
شاه خائن و مزدور اجنبی باز گشت ، حمام خون راه افتاد و هر چه را که ملت با نثار خون بهترین فرزندان خود به دست آورده بود ، از دست داد . استقلال ، این میراث گران قدر نهضت بزرگ ملی به باد رفت ، ثروت‌های ملی شده مجددا در خون بیغیامی امپریالیستها قرار گرفت ، و آزادی در

مسئولیت سنگین مجلس خبرگان

علی صادقی

طرح شده توسط دولت را بهیچوجه برای بیان دستاوردهای انقلاب اخیر و ادامه‌ی آن کافی نمیدانستیم ، قانون اساسی پیشنهادی خود را تدوین کرده و در معرض قضاوت عموم خلق قرار دادیم که محتوای آن بطور خلاصه عبارت بود از :
۱- تضمین استقلال همه جانبه کشور از امپریالیسم و بویژه دو ابر قدرت امریکا و شوروی به‌طایه عمده‌ترین مساله جامعه ما .
۲- تضمین آزادی و عدالت اجتماعی (بویژه رفاه خلق) بعنوان دو مساله اساسی انقلاب ایران .
۳- تضمین " اتحاد بزرگ خلق " در مبارزه بخاطر استقلال آزادی و عدالت اجتماعی .
۴- تضمین وحدت سه نیروی فعال سیاسی جامعه اسلام مبارز ، ناسیونالیسم مرفقی و سوسیالیسم انقلابی .
برای تحقق این چهار نکته‌ی اساسی در بقیه در صفحه ۶

در ماههای اخیر فعالیت وسیعی از جانب تعداد زیادی از نیروهای خلقی جهت تدوین قانون اساسی صورت گرفته است .
قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران - بر حسب کیفیتش می‌تواند در تحکیم ، گسترش ، تعمیق و ادامه‌ی انقلاب شکوهمند بهمن ماه ۱۳۵۷ نقش موثر مثبت یا منفی بازی نماید .
اصولا " قانون - حتی مرفقی‌ترین آن - موقعی معنی و مفهوم پیدا می‌کند و میتواند بعنوان حربه‌ای در خدمت بخلق و ادامه انقلاب مورد استفاده قرار گیرد که افراد بکار گیرنده‌ی آن صاحب‌چنین اعتقادی به انقلاب و خلق باشند . تجربه‌ی قانون اساسی قبلی به یاد همگی است .
با توجه به نکات فوق ما در ابتدای کار از تشکیل مجلس موسسان جهت تدوین قانون اساسی دفاع کردیم و سپس در ادامه‌ی کار وقتی که تضادهای درونی هیات حاکمه بجائی رسید که تشکیل مجلس خبرگان توسط آنان مطرح شد ، با حرکت از موضع حفظ اتحاد بزرگ خلق برای جلوگیری از تفرقه و تشتت در صفوف خلق به فعالیت ادامه دادیم .
ما از آنجا که پیش نویس قانون اساسی

مصاحبه با جلال طالبانی



اخیرا " رنجبر " مصاحبهای با جلال طالبانی ، رهبر " اتحادیه عیبه پرستان کردستان " (عراق) ترتیب داد . ما در اینجا قسمت اول این مصاحبه را منتشر میکنیم .
سؤال : تحول اوضاع در عراق و کردستان عراق در ۳-۴ ماه گذشته چگونه بوده ؟ در این رابطه کودتای اخیر عراق و سرکوب آن و تصفیه‌های صدام حسین و تأثیرات و نقش آن چه بوده است ؟
جواب : در این سه چهار ماه گذشته تحولاتی مهم رخ داده ، یکی این بوده که جنبش مسلحانه یعنی انقلاب خلق که در کردستان عراق این سه سال ادامه دارد گام بزرگی به

علی : رهبر بزرگ در استای تاریخ

۲۱ رمضان ۱۳۹۹ برابر ۲۴ مرداد ماه ۱۳۵۸ سالروز شهادت علی بن ابی طالب امام اول شیعیان ، جهان و یکی از بزرگ مردان تاریخ مبارزه علیه ستم و بی عدالتی است .
این گفته که علی سبیل برجسته اسلامی است که در سمت متعددی ترین افکار مردم ایستاده و هرگز در برابر زور و قلندری و بی عدالتی سر خم نکرده ، تنها بیان یک حقیقت است .
ایرانیان اساسا " طی سالیهای خلافت بنی امیه و عباسیان با اسلام آشنا شدند اما علیرغم آن که علی بدتی بسیار کوتاه

درگیری در ارومیه

بدستش رسیده که دستور دستگیری رئیس دادگاه انقلاب را داده است . از آنجا که نظامیان حاضر به متفرق شدن نمی‌شوند ، به آنها میگویند به حیات پشت ساختمان بروند .

سه شنبه ۱۶ مرداد حدود ۲۵۰ نفر از درجه داران و سربازان پادگان " قوشچی " (ارومیه) بخاطر اعتراض به اعدام سرهنگ هوشنگی و استوار علی اسکندری در مقابل

تأثیرات انقلاب ایران در اینجا دیده

سه شبه ۱۶ مرداد حدود ۲۵۰ نفر از درجه داران و سربازان پادگان "قوشچی" (ارومیه) بخاطر اعتراض به اعدام سرهنگ هوشنگی و استوار علی اسکندری در مقابل ساختمان ستاد در شهر ارومیه جمع میشدند. عده‌ای از نظامیان ارومیه نیز به آنها می‌پیوندند. همسر هوشنگی و فامیل استوار اسکندری نیز در این اعتراض شرکت داشتند و قطعنامه‌ای را قرائت می‌کنند که از جمله خواسته‌های آن عبارت بوده‌اند از:

- * عدم دخالت دادگاه‌های انقلاب در دادگاه‌های نظامی
- * خروج عده‌ای که بنام مجاهد وارد ارتش شده‌اند
- * مجاهد به پاسداران و افراد کمیته‌امام گفته می‌شود که گویا تعدادی از آنان به پادگان "قوشچی" فرستاده شده‌اند. این عده همانند سربازان معمولی خدمت می‌کنند و حقوقشان توسط کمیته امام پرداخت می‌شود. فرمانده لشکر برای متفرق کردن تظاهر کنندگان که عده‌ای از مردم نیز در این مدت پیوسته دور آنها جمع شده بودند، پس از ایراد انطقی اعلام می‌کند که نامه‌ای از استاندار

بدسترس رسیده که دستور دستگیری رئیس دادگاه انقلاب را داده است. از آنجا که نظامیان حاضر به متفرق شدن نمی‌شوند، به آنها می‌گویند به حیات پشت ساختمان بروند. درجه داران و سربازان که همگی عصبانی بوده‌اند با وارد شدن به ساختمان اسلحه‌خانه را که ۱۳ عدد ۳- در آن بوده خالی کرده و اطاق فرمانده لشکر را آتش می‌زنند. اگرچه تیراندازی در داخل ساختمان رخ داده ولی کسی کشته نمی‌شود. پس از آن نظامیان خارج شده و متفرق می‌گردند.

روز بعد تظاهراتی به نفع کمیته امام و ملاحضی نماینده امام برگزار می‌شود که عده‌ای از اهالی شهر در آن شرکت نمودند. روز پنجشنبه نیز عده‌ای به ساختمان چریک‌های فدایی خلق حمله کرده و پس از بیرون آوردن تمام اشیاء موجود، آنها را به خیابان ریخته و به همراه یک ماشین که گویا متعلق به یکی از اعضاء چریک‌های فدایی بوده آتش می‌زنند و از ساختمان نیز جز مخروبه‌ای به جای نمی‌گذارند. در همانروز دو سه کتابفروشی نیز به آتش کشیده می‌شود.

بقیه در صفحه ۷

مصاحبه با آقای آخوند ارزانیش

که ما در مورد خود مختاری صحبت نکنیم. دادن حق خود مختاری و دخالت نکردن در تعیین سرنوشت خلقها یکی از اسباب تحکیم دولت انقلابی است.

ارتجاع و وابستگی رزیم و غاصبین محلی سعی دارند شکل وحدت و یکپارچگی ما را بهم بزنند. تلاش آنها بطرق مختلف دیده میشود از جمله اینکه عده‌های روحانی نما مردم عامی بخصوص روستائیان استفاده کنند. وابستگی رزیم سابق و ساواک می‌خواهند از همین طریق در میان ترکمن مشکل، نفاق ایجاد کنند. هم اکنون از جاهای مختلف زمزمه می‌دهند که کسانی که با ستاد رفت و آمد می‌کنند راه کمونیست را در پیش دارند اینها ضد خدا و ضد مذهب... که با این کلمات ذهن مردم را می‌خواهند مسموم کنند. خلق ترکمن ضربتهای زیادی از طریق دشمن خورده است. نمونه آن ۲۵ بهمن بود که آنها را فریب دادند بنام مذهب و اسلام آنها را بخیابان کشاندند جهت تظاهرات بنفع قانون اساسی و طرفداری از شاه. این برنامه با همدستی رزیم و ساواک و عده‌ای که سر دسته آنها "نقشبندی" بود انجام

بقیه در صفحه ۶

حقیقت است. ایرانیان اساساً طی سالهای خلافت بنی امیه و عباسیان با اسلام آشنا شدند اما علیرغم آن که علی مدتی بسیار کوتاه براریکه خلافت قرار داشت به اسلام او روی می‌آوردند. زیرا اسلام علی هدفش را آزادی ستمدیده ترین طبقات مردم و عدل و عدالت برای آنان قرار داده بود، زیرا با خرافه پرستی و نادانی، با زور گوئی، با مال اندوزی مثنی و فقر اکثریت، و آنچه با حریت و حرمت انسان آزاد، دشمنی میکرد، تا سازگاری و مبارزه داشت.

از همین رو احترام به علی و خاندان او که از اسلام مبارز و راستین دفاع میکردند در میان ایرانیان توسعه یافت. اسلام مبارز علی برای سالیان دراز پرچم نهضت‌های ملی ایرانیان در برابر تعدی و زور گوئی خلفای عباسی و قلدران دیگر گشت. و بالاخره به همان دلیل توجه و علاقه شدید علی و اسلام مبارز به زحمتکشان و کینه و نفرتش به ستمگران و استثمارگران، محبت و ارادت زیادی در میان زحمتکشان ما نسبت به او وجود دارد.

همین عناصر برجسته اسلام مبارز علی و شخصیت بزرگ اوست که، آنرا در سالروز شهادتش در خدمت اتحاد اسلام مبارز، ناسیونالیسم مترقی و سوسیالیسم انقلابی برجسته‌اش می‌کنیم و بر آن ارج می‌نهیم.

لغو برخی از قراردادهای نظامی با آمریکا

سخنگوی دولت، آقای دکتر صادق طباطبائی در مصاحبه‌ای اعلام کرد که قراردادهای تسلیحاتی با آمریکا، که شامل جنگنده‌های اف ۱۶، هواپیماهای آواکس و ناوشکن‌های جنگی می‌شود لغو شده است. همچنین یک سری قراردادهای دیگر با مستشاران نظامی آمریکا بسته شده بود که آنها نیز لغو گردیده. جمع این قراردادها بالغ بر ۹ میلیارد دلار بوده است.

این اقدام دولت قدم دیگری است در راه استقلال و عدم وابستگی هرچه بیشتر ایران نسبت به ابرقدرت آمریکا. ولی هنوز سایه شوم و اسارت‌بار قراردادهای نظامی دو جانبه ایران و آمریکا در سال ۱۹۵۹ و عهدنامه ایران و شوروی منعقد در ۱۹۲۱ بر روی میهن عزیز ما سایه افکنده و برگرده "خلقهای قهرمان ایران سنگینی می‌کند"

بقیه در صفحه ۷

جواب. در این سه چهار ماه گذشته تحولات مهم رخ داده، یکی این بوده که جنبش مسلحانه یعنی انقلاب خلق که در کردستان عراق این سه سال ادامه دارد گام بزرگی به سوی عراقی شدن یعنی تبدیل شدن به یک انقلاب عراقی به پیش برداشت.

چند گروه میهنی و مترقی که در "جمع الوطن العراقي" عضو هستند به همکاری با اتحادیه میهنی کردستان پیوستند و همه با هم قرارگرفته‌اند از خارج به کشور برگردند و این انقلابی که هست به انقلاب عراقی تبدیل شود و نیروهای مترقی عرب هم در این انقلاب که در کردستان وجود داشت شرکت کنند. این یک تحول بزرگی از نظر ما بود.

دومین این بود که در عراق مبارزات سیاسی اوج گرفت مبارزات نیروهای مترقی و مبارزات توده‌های خلق و شیوه تظاهرات و اعتصابات، میتینگ بزرگ توده‌های به خود گرفت در چندین دهات، شهرستان، شهرها این مبارزات صورت گرفت.

چیز سوم این بود که شیعه‌های عراق که زیر ستم دولت دیکتاتوری و فاشیستی عراق هستند شروع به مبارزه کردند. البته

با اپورتونیسیم «چپ» نمیتوان بجنگ روئز یونیسیم رفت

مقاله رفیق اشرف فدهقانی در رد مجلس خبرگان و حمله به رهبری سازمان چریک‌های فدائی خلق، نشانه دیگری از پایان یکدوره کشاکش درونی و مبارزه در دایره تنگ و بسته اعضاء و هواداران این سازمان و کشانده شدن این مبارزه به سطح گسترده‌ی روزنامه‌ها بود. (بگذریم از آنکه جای بحث درون جنبش مارکسیستی در صفحات روزنامه‌های بورژوازی نیست.)

این مقاله که تجلی دیگری از نظرات رفیق میاشد با ارزیابی یکجانبه از نهادهای اجتماعی که در حال تکوین‌اند، دولت بازرگان و حاکمین کنونی را حامیان فئودالها و مرتجعین و قصاب مردم بیگناه، و مجلس خبرگان را جلوه نغی آزادی و انکار حقوق مردم دانسته و بالنتیجه به تحریم انتخابات و به بی عطی و جدا شدن از توده‌ها و حرکت آنان گرفتار شده است.

اما چرا چنین حمله‌ای؟ ریشه‌اش کجاست و ناشی از چیست؟ سال ۵۶ و اوائل سال ۵۷ سالهای سخت و دردناکی برای سازمان چریک‌های فدائی خلق بود. هفت سال مبارزه مسلحانه چریکی نه تنها پیوند با توده‌های زحمتکش را ببار نیاورد، موجب نفوذ سازمان در میان

بقیه در صفحه ۴

تأثیرات انقلاب ایران در اینجا دیده می‌شود. و این ها شروع به تظاهرات و اعتصابات کردند. و حالا بیش از شش هزار برادر شیعه ما در زندان به سر می‌برند و گفته می‌شود که ۲۷ تا از مذهبیهون، روحانیون در زیر شکنجه کشته شده‌اند.

و گویا این یکی از علل منفجر شدن تضادهای درونی داخلی رهبری حاکم عراق بوده است.

چیز دیگر این بود که این تضادهای بین گروه‌های مختلف در رهبری حزب حاکم در عراق و در رهبری این گروه که شورای باصلاح انقلاب عراق را بوجود آورده‌اند، منفجر شد و به جایی رسید که احمد حسن البکر که رئیس جمهور بود و دبیر کل حزب حاکم بود در عراقی از همه پست‌های سیاسی و حزبی خود برکنار شد و صدام حسین جانشین او شد. بعد از برکناری احمد حسن البکر، بقیه در صفحه ۴



رویدادهای جهان

جنایات امپریالیسم شوروی در اریتره

تهاجم وسیع رژیم فاشیستی اتیوپی و حامیان روسی اش هر روز با شکست مفتضحانه‌تری مواجه می‌شود و خلق اریتره به پیروزی‌های نوبنی دست می‌یابد.

در اطلاعاتی که سه‌شنبه ۱۶ مرداد از طرف دفتر جبهه آزادیبخش خلق اریتره (EPLF) در یاریس منتشر شد آمده است که حمله ۵۰ هزار نفره ارتش کاملاً مجهز رژیم اتیوپی به شکست انجامیده و مبارزین اریتره موفق شده‌اند که ۱۵ هزار نفر از سربازان اتیوپی را کشته و یا زخمی و ۷۵۰ نفر از آنان را اسیر نمایند.

این پیروزی را به خلق قهرمان اریتره تبریک می‌گوئیم و مطمئنیم که این خلق قهرمان همانطور که به امریکا و رژیم دست نشانده‌اش "هایلا سلاسی" نشان داد که هیچ نیروئی قادر به سرکوب مبارزه عادلانه خلقی به پا خاسته و مسلح نیست، به ابر قدرت روس و رژیم فاشیستی "منگیستو" هم درس شایسته‌ای خواهد داد.

کسانی که از کابل آمده‌اند تعریف می‌کنند که بعد از سه روز هنوز اجساد در پادگان بالا حصار و اطراف آن دیده می‌شوند. تعداد کشته شدگان این قیام خونین به بیش از هزار نفر بالغ می‌شود.

این قیام خونین نشان می‌دهد که علی‌رغم تبلیغات دار و دسته فاشیستی ترهکی و اربابان روسی اش، دامنه مبارزه خلقهای افغانستان علیه رژیم وابسته ترهکی حتی به درون ارتش نیز کشیده شده است.

رنجبر

گوشه‌هایی از قیام کابل

روز یکشنبه ۱۴ مرداد، قیام بزرگی در کابل پایتخت افغانستان به قوع بیوست که به شدیدترین وجهی از طرف رژیم ترهکی سرکوب شد.

سربازی که در زمان این قیام در پادگان بالا حصاره (در نزدیکی کابل) خدمت می‌کرد و اینک به ایران گریخته می‌گوید: ابتدا عده‌ای از سربازان پادگان قیام کرده و آنرا به تصرف خود درآوردند. مردم شهر کابل و مبارزین افغانی نیز به پا خاسته و به آنها پیوستند. در همین هنگام میگهای ساخت شوروی که توسط خلبانان روسی هدایت می‌شدند، پادگان را به شدت بمباران کرده و عده زیادی را کشتند. تانکهای روسی نیز به سرکوب قیام کنندگان پرداختند.

کسانی که از کابل آمده‌اند تعریف می‌کنند که بعد از سه روز هنوز اجساد در پادگان بالا حصار و اطراف آن دیده می‌شوند. تعداد کشته شدگان این قیام خونین به بیش از هزار نفر بالغ می‌شود.

این قیام خونین نشان می‌دهد که علی‌رغم تبلیغات دار و دسته فاشیستی ترهکی و اربابان روسی اش، دامنه مبارزه خلقهای افغانستان علیه رژیم وابسته ترهکی حتی به درون ارتش نیز کشیده شده است.



دسته‌ای از محاهدین اسلامی افغانستان در منطقه نورستان

می‌توان از استان بدخشان که هم روز شورویست نام برد.

دولت ارتجاعی و وابسته به روس ترهکی برای ادامه حیات خود علاوه بر سرکوب و گشتار، به شیوه‌های ننگین دیگری نیز دست می‌زند. مثلاً بنا به گفته دهقانان خرمینا را آتش می‌زند و آن را به حساب مبارزین می‌گذارد به اختلافات مذهبی، زبانی، قومی دامن می‌زند و ...

تاریخ شاهد است که فتنه‌گری امپریالیست‌ها و رژیم‌های وابسته‌شان سرنوشته‌ی جز شکست ندارد. سر نوشت امپریالیسم شوروی و رژیم وابسته‌اش در افغانستان، بهتر از سرنوشته امپریالیسم امریکا و رژیم محمد رضا شاه منفور در ایران نخواهد بود.

رژیم ترهکی که در زیر ضربات خرد کننده خلقهای قهرمان افغانستان، لحظه به لحظه به گورستان خود نزدیک تر می‌شود، مدبوحانه هر روز بر جنایات خود می‌افزاید. سازمانهای مبارز افغانی تعداد زندانیان سیاسی که در سیاهچالهای رژیم ترهکی تحت شکنجه‌ها قرار دارند نزدیک به صد هزار نفر اعلام می‌کنند. هر از مدتی یک بار، رژیم جنایتکار ترهکی تعدادی از زندانیان سیاسی را به تلافی کشته شدن مستشاران روسی در زندان به قتل می‌رساند.

مبارزات خلقهای افغانستان آن چنان شدت گرفته که اکثر استانها یا کاملاً و یا بخش عمده آن (به غیر از مراکز استان) در دست نیروهای انقلابی است. از جمله

گردیده‌اند. "انیس سپس ادا به می‌دهد" "آزادسپای خیر رسانی بین المللی اطلاع می‌دهند که هر روز هزاران نفر به صورت مخفی از طرف رهبران مرتجع ایران اعدام می‌شوند.

به روشنی دیده می‌شود که روزنامه رسی رژیم وابسته به روس ترهکی در حمله به انقلاب ایران با امپریالیستهای امریکائی، صهیونیسم و ارتجاع بین المللی همصدا گشته است.

طبیعی است که چنین سیاست ضد مردمی سرکوب و تجاوز نظامی، موجب رشد مقاومت خلق در درون و بی‌تنام و در میان خلقهای زیر یوغ اشغال نظامی می‌شود.

امپریالیستهای روسی و شرکای کوچک و بزرگ آنها با هیچ گونه تبلیغ عوام‌فریبانه‌ای نمی‌توانند این واقعیات را از چشم مردم جهان، به ویژه خلقهای تحت ستم جهان سوم بپوشانند.

مصاحبه معاون سابق مجلس ملی ویتنام

هوانگ وان هوان معاون مجلس ملی ویتنام که چندی قبل به چین پناهنده شد، هفته گذشته در یک مصاحبه مطبوعاتی اعلام کرد که دولت ویتنام، صدها هزار ویتنامی چینی الاصل را به نقاط دور دست تبعید می‌کند تا از گرسنگی نابود شوند.

ولی اضافه کرد که علت فرار دسته جمعی مردم از طریق دریا نیز چنین تبعیدها، گرسنگی‌ها و نبودن آزادیست.

هوانگ اظهار داشت که بیش از صد هزار سرباز ویتنامی در خاک کامبوج بسر می‌برند. وی همچنین خاطر نشان ساخت که ویتنام دیگر یک کشور مستقل و آزاد نیست و رهبران ویتنام، خائن به اصول کمونیسم هستند.

مصاحبه معاون سابق مجلس ملی ویتنام افشاگر یک واقعیت بزرگ است. دار و دسته رهبری ویتنام در داخل کشور یک سیاست سرکوب و در خارج آن یک سیاست توسعه طلبی و تجاوز به خاک دیگران را به پیش می‌برد.

رژیم وابسته ترهکی، که خود محصول یک کودتای ننگین روسی است، امروز تحت شدیدترین ضربات خرد کننده خلقهای قهرمان افغانستان قرار دارد. به همین جهت می‌کوشد با حمله به انقلاب مستقل ایران و رهبریش، افکار عمومی مردم افغانستان را به سوی خود جلب کند، غافل از اینکه مردم ستمکش افغانستان هر روز حاصل جنایات و وطن فروشیهای این دار و دسته را با گوشت و پوست خود لمس می‌کنند.

چهره ضد خلقی رژیم ترهکی

انیس

جمهوری مردم افغانستان

مجلس ملی

۱۳۴۶

۱۳۴۶

۱۳۴۶

در این میان، از دار و دسته وابسته به روس کیانوری که از یکسو رژیم وابسته به روس ترهکی را به عنوان رژیم "مترقی" حمایت می‌کنند و از سوی دیگر مزورانه خود را پشتیبان انقلاب اسلامی و رهبری آن معرفی

"انیس"، روزنامه دولتی افغانستان در تاریخ ۱۱ مرداد، تحت عنوان "سلسله اعدامهای ظالمانه در ایران ادامه دارد" می‌نویسد: "به سلسله اعدامهاییکه هنوز در ایران جریان دارد هفت نفر دیگر

یک کودک اریتره‌ای پس از بمباران با بمب‌های ناپالم توسط هواپیماهای "میک - ۲۳" روسی

امپریالیسم روسیه - صهیونیسم

کنفرانس «حقوق بشر» روسی

زیر نظر کسانی که در شوروی بیش از هزار اردوگاه کار اجباری بنا کرده و بیش از یک میلیون نفر را اسیر و زندانی نموده‌اند، بیشترین ستمها را بر ملت‌های روسیه و زحمتکشان آنجا روا داشته و هر گونه صدای انقلابی و آزادیخواهان را سرکوب میکنند.

آن وقت این سوسیال - فاشیست‌ها (سوسیالیست در حرف، فاشیست در ماهیت) از به اصطلاح "دانشمندان" اسرائیلی دعوت می‌کنند که به شوروی آمده و "حقوق بشر" را مورد بررسی قرار دهند.

«حقوق بشر»ی که هر روز صهیونیست‌ها با کشتار و شکنجه خلق فلسطین بر او روا می‌دارند.

هفته گذشته خبر گزارى رویتر اطلاع داد که یک کنگره متشکل از ۱۵۰۰ نفر متفکر "از ۵۰ کشور در مسکو تشکیل شده است تا درباره مسائل مختلفی، از جمله "حقوق بشر" گفتگو کند.

این خبر گزارى همچنین فاش ساخت که دولت شوروی از دانشمندان از کشورهای اسرائیل، کره جنوبی و شیلی هم برای شرکت در این کنگره دعوت کرده است.

خبر فوق نمونه افشاگرانه دیگری از منطق امپریالیستهای روسیه است. اینان که همیشه دم از "حمایت" از حقوق خلقی فلسطین می‌زنند یا خود را طرفدار خلقهای

حبر فوق نموت اشنا گرانه دیکری از منطق امپریالیستهای روسیه است. اینان که همیشه دم از "حمایت" از حقوق خلق فلسطین می‌زنند یا خود را طرفدار خلقهای گره یا شیلی می‌نمایند، آن وقت به طور رسمی از این کشورها نماینده دعوت میکنند. مسخره تر آنکه این کنگره گذاشتی باید تحت نظر سوسیال فاشیستهای شوروی به بررسی "حقوق بشر" هم بپردازد!

حقوق بشر را مورد بررسی قرار دهند. حقوق بشری که هر روز صهیونیست ها با کشتار و شکنجه خلق فلسطین بر او روا می‌دارند. ترکیب سوسیال امپریالیستها و صهیونیست‌هایی که دست دردست دربارهی "حقوق بشر" حرف می‌زنند، خود بیشتر از هر چه افشاگر ماهیت ضد خلقی هر دوی این مرتجعین است.

دار و دسته رهبری ویتنام در داخل کشور یک سیاست سرکوب و در خارج آن یک سیاست توسعه طلبی و تجاوز به خاک دیگران را به پیش می‌برد. این سیاست سلطه جویانه و ضد مردمی، دار و دسته رهبری ویتنام را به صورت شریک کوچک سلطه رهبری بزرگ، یعنی امپریالیسم روسیه، در منطقه جنوب شرقی آسیا در آورده است.

در تاریخ ۱۱ مرداد، تحت عنوان "سلسله اعدامهای ظالمانه در ایران ادامه دارد" می‌نویسد: "به سلسله اعدامهاییکه هنوز در ایران جریان دارد هفت نفر دیگر پرروز در آنجا اعدام گردیدند." و "با اعدام این هفت نفر که به امر آشکار رهبران متعصب و مرتجع ایران اعدام گردیدند، تا کنون سیصد و پنجاه نفر در نقاط مختلف ایران قربانی تعصب رهبران مرتجع آن کشور

به روس خیانتوری که از حضور رژیم "مترقی" روس تره‌گی را به عنوان رژی می‌شناسد حمایت می‌کنند و از سوی دیگر مزورانه خود را پشتیبان انقلاب اسلامی و رهبری آن معرفی می‌نمایند باید پرسید، موضع شما در مقابل حملات ارتجاعی رژیم تره‌گی به انقلاب اسلامی ایران و رهبری آن چیست؟ این بار دیگر حضور می‌توانید چهره کره‌صند مردمی رژیم سره‌گی را آرایش کنید؟

● با اپورتونیسیم...

با خود بصورت گروه منشعب از سازمان چریکهای فدائی خلق بیگما برد. (وعده‌های از آنها را برای روز مبادا بجای گذارد) و راه را برای دارودسته غاصب رویزیونیست‌کنونی باز کرد. پیروزی انقلاب ایران انفجاری بود که لاکها و حصار سازمان را فرو ریخت و آنرا از بن بست مشی چریکی نجات بخشیده و سازمان را عریان و در عرصه سیاسی مبارزات توده‌ای خلقهای ایران قرار داد. اکنون دیگر نیازی به مشی چریکی نبود. رژیم ارتجاعی شاه یعنی شکل سیاسی حاکمیت امپریالیسم آمریکا در ایران سرنگون شده و مرحله جدیدی در زندگی سیاسی مردم آغاز گشته بود. از اینرو امواج تلاطم مبارزات توده‌ها و سرعت تکوین و تغییر پدیده‌های اجتماعی و ناتوانی سازمان در ارزیابی درست و صحیح از پدیده‌ها از یکطرف، و رشد رویزیونیسم درون سازمان و غصب رهبری آن از طرف دیگر، مبارزه‌های حاد را درون سازمان پدید آورد.

مشی رویزیونیستی رهبری غاصب ارائه‌دهد. ولی آنچه او ارائه میدهد بازگشت به مشی چریکی است. جریانی که از ابتداهم نادرست بود. توجیه این بازگشت در شرایط نوین سیاسی جامعه نیازمندیک توجیه ایدئولوژیک سیاسی است و بدین سان است که ماهیت دولت بازرگان با ماهیت رژیم شاه یکسان قلمداد میشود. چه در این صورت است که مشی چریکی میتواند بصورت یک خط مشی انقلابی در برابر مشی اپورتونیسیتی رهبری غاصب ارائه گردد. اما این "راه حل" رفیق اشرف دهقانی نه تنها چیزی را بسود مارکسیسم و انقلاب حل نمیکند، بلکه فاجعه بار است، چه از نظر سیاسی و چه از نظر ایدئولوژیک. از نظر سیاسی، سرنگونی رژیم شاه و وضع را تغییر داده است. دولت بازرگان، باتمام کمبودهایش، یک دولت ملی است. از طرف دیگر، ما در شرایط آزادیهای نسبی بورژوازی قرار داریم و مبارزه سیاسی اساسا "شکل غیر مسلحانه دارد و نیروهای بیرو طبقه کارگر باید با کار و وسیع توده‌ای و سازماندهی سیاسی و اقتصادی، لشکر عظیم زحمتکشان را بسوی خود جلب کنند و این اساسی ترین شرط مبارزه واقعی با امپریالیسم است.

فدائی این نمی‌بود که امروز یک دار و دسته غاصب رویزیونیست بتواند در آن لانه کند. منسبی چریکی یک مشی التقاطی، التقاطی از مارکسیسم و رویزیونیسم است و با آن نمیتوان به جنگ رویزیونیست رفت، با آن تنها میتوان مبارزه کرد و شکست خورد. و بالاخره، منسبی چریکی بعنوان راه حل بحران کنونی در این سازمان با اوضاع تکامل یافته جنبش مارکسیستی-لنینیستی و خود بدنه سازمان چریکهای فدائی نیز تطابق ندارد. ما در چند سال اخیر شاهد نفوذ وسیع مارکسیسم-لنینیسم در میان جوانان انقلابی و ایجاد لشکر نویینی از انقلابیون جوان هستیم که به کمونیسیم عشق می‌ورزند و آنرا مورد مطالعه قرار میدهند و کوشش می‌نمایند که به نقطه نظرات مارکسیستی-لنینیستی مسلح شوند. ارائه منسبی چریکی در این شرایط رشد ایدئولوژیک جنبش جب ما هم گامی به عقب و هم در عدم تطابق با پیشرفت ایدئولوژیک جنبش است.

در تاریخ ۵۸/۵/۲ کارگران موقت شهرداری اسلام آباد غرب (استان کرمانشاهان) دست به یک راه پیمایی اعتراضی زدند. این کارگران مشغول حفرا کانال فاضلاب این شهر هستند و در بدترین شرایط و محروم از امکانات رفاهی به سر می‌برند. محل سکونت کارگران، محلی به نام "دم قلعه" است که در قسمت شمال غربی شهر قرار دارد. خانه‌های گلی کارگران فاقد روشنایی برق و آب لوله کشی می‌باشد. کوچه‌ها خاکی است و زمینهای خالی این محله و کوچه‌ها محل انباشت زباله هاست. حتی زباله های قسمت های دیگر شهر را نیز در این محل خالی می‌کنند. اتفاق می افتد که وقتی حیوانی می میرد لاشه اش را در اینجا می اندازند و بوی تعفن آن تا مدت‌ها زندگی را به مردم این محله حرام می‌کند. کارگران که به شرایط کار خود اعتراض داشتند طی نامه‌ای که به شهردار اسلام آباد نوشتند خواستار رسیدگی به وضع خود و ترمیم حقوقشان شدند. در پاسخ از طرف شهردار قول داده شد که حقوق کارگران از روزی ۴۰ تومان به روزی ۵۰ تومان افزایش یابد.

اسلام آباد غرب (کومانشاهان) پیروزی کارگران موقت شهرداری

شوند. پس از مراجعه به شهرداری و تماس با رئیس حسابداری معلوم می‌شود که حقوق آنها مثل سابق یعنی روزی ۴۰ تومان پرداخت می‌شود. کارگران پس از اعتراض به حسابدار از محل شهرداری خارج می‌شوند و دست به یک راه پیمایی اعتراضی زده و به طرف فرمانداری به حرکت در می‌آیند. پس از آنکه صف راه پیمایان به فرمانداری می‌رسد کارگران در محل فرمانداری متحصن شده و خواهان رسیدگی به خواسته‌های خود می‌گردند. سرانجام در ساعت یک بعد از ظهر از طرف فرمانداری به آنان قول داده می‌شود که به خواسته‌هایشان رسیدگی بشود و قرار میشود سه نفر از نمایندگان کارگران به فرمانداری مراجعه نمایند تا قضیه را حل کنند. پس از آن شهرداری هم قبول می‌کند که حقوق کارگران از ۴۰ تومان به ۵۰ تومان برسد و در آینده به خواسته‌های کارگران رسیدگی بشود.

- ۱- افزایش حقوق
- ۲- رسمی شدن کارگران و استفاده از حق بیمه
- ۳- بازگشت کارگران اخراجی به سر کار
- ۴- دادن لباس کار به کارگران از طرف شهرداری
- ۵- تعطیلی روز جمعه یا پرداخت حقوق دوبرابر برای روز جمعه در هر هفته



ماعتونه دون است. تنها با ایدئولوژی راستین طبقه کارگر میتوان به جنگ مرتدان و اربابان سوسیال امپریالیست آنها، به جنگ امپریالیسم و مرتجعین رفت و با سازماندهی و هدایت توده‌ها، قدم بقدم پیروزی بدست آورد و برای پیروزی نهایی تدارکی انقلابی و پرولتری دید

تسلط اینکه مثبتی که طرح بازگشت رفیق اشرف دهقانی دارد، زنده کردن میراث بنیان گذاران شهید سازمان در زمینه موضع گیری در قبال رویزیونیسم خروشچفی است، که حتی در این زمینه نیز ایدئولوژی چریکی با محدود کردن مبارزه با رویزیونیسم به مبارزه با راه مسالمت آمیز و نفس مسالمت از ابتدائیت مسالمت به شناخت و انتقاد ریشه‌های و عمیق از رویزیونیسم مدرن بپردازد، چه برسد به امروز که ما بیش از ۱۰ سال مبارزه ایدئولوژیک با رویزیونیسم مدرن را در پشت سر خود داریم و آنرا محدود به امر مسالمت و راه مسالمت آمیز نمی‌کنیم.

با توجه به محکمت فوق ما خط تعرضی رفیق اشرف دهقانی به دار و دسته رویزیونیستهای غاصب لانه کرده در سازمان چریکهای فدائی خلق را نادرست دانسته و آنرا حل بحران ایدئولوژیک و سیاسی این سازمان نمی‌دانیم. بلکه معتقدیم که پیروزی از این خط ایدئولوژیک-سیاسی در تعرض به دار و دسته رویزیونیستهای غاصب بعلت

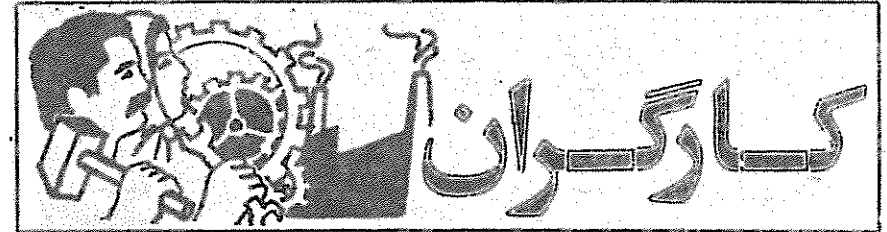
در این اوضاع سیاسی، ادامه خط مشی "جب" روانه چریکی گذشته، به تنهایی و بیرولتاریا را از طبقه و توده‌جدامی‌کند، بلکه بعلت عدم تطابق با شرایط عینی و ذهنی مبارزه، سرعیا "به شکست انجامیده و شرایط را برای وعطه‌های اپورتونیسیتی رویزیونیستها آماده ساخته و موجب تقویت خط مشی ضد خلقی آنان میشود

از نظر ایدئولوژیک، بازگشت به سنت و ارائه نقطه نظرات چریکی نیز قادر به مبارزه و طرد رویزیونیسم نیست. بهترین شاهدان سابقه سازمان چریکهای فدائی و رشد رویزیونیسم در درون آن است، اگر منسبی التقاطی چریکی نمیتوانست الحری با رویزیونیسم باشد، سرنوشت سازمان چریکهای

زیر پا گذاردن یکدسته از مواضع درست بنیانگذاران سازمان توسط رویزیونیستهای غاصب، مقاومت بخش بزرگی از اعضا را بدنبال می‌آورد. مبارزه درونی به انتشار دفتر اول "مبارزه ایدئولوژیک" میانجامد که برشی عرضی است از سازمان. این دفتر بوضوح تمایل رهبری غاصب را به نفی مبارزه ایدئولوژیک درون سازمانی به بهانه مناسب نبودن زمان و اینکه اکنون وقت پرداختن به عمل است نه بحث، نشان میدهد. رهبری غاصب از روبرو شدن با اعضا و هواداران سازمان هراس دارد و تغییرات مواضع سازمان را بوسیله سخنگوی سازمان و از طریق رسانه‌های گروهی به گوش و چشم آنها میرساند. در چنین اوضاعی است که رفیق اشرف دهقانی، ما یوس از مبارزه درونی با اعمال و افکار رویزیونیستی و اپورتونیسیتی رهبری، به علنی کردن تضادها در سطح وسیع دست می‌زند. وی برای جلب اعضا صادق و وفادار سازمان باید یک خط مشی انقلابی را در برابر

تحولات اخیر در کارخانه

ایران دو چرخ



کارگران و اتحاد بزرگ ملی

روز یکشنبه ۵۸/۵/۷ برنامه‌ای از تلویزیون پخش شد که طی آن نمایندگان گروه‌های مختلف سیاسی، از جمله سازمان چریک‌های فدایی خلق، نهضت رادیکال، یکی از روحانیون و دیگران در آن شرکت داشتند.

آنچه که در این برنامه بیان شد یک مسئله را برجسته می‌کند و آن اینست که دو جریان نادرست در مورد کارگران و نقش آنان در مرحله کنونی انقلاب وجود دارد.

۱- جریانی که خود را "نیروی انقلابی"، "طرفدار طبقه کارگر و دهقان" و "مدافع مردم" قلمداد می‌کند، اما با سنگ کارگرخواهی به سینه زدن، اتحاد خلق را برهم می‌ریزد و به کارگران نیز ضربه می‌زند.

این گروه با تقسیم جامعه به دو گروه استثمار کننده و استثمار شونده، شعار نابودی فوری استثمار کننده و از بین رفتن استثمار را می‌دهند. نمایندگان این جریان، همه سرمایه‌داران را با یک چوب می‌رانند و مرز تمایزی میان - سرمایه‌داران ملی، سرمایه‌داری متوسط با سرمایه‌داری بزرگ و وابسته نمی‌کنند. فرقی بین دولت حاضر که بعد از یک انقلاب روی کار آمده است و دولت سر سریده و وابسته قبلی که حافظ منافع سرمایه‌ خارجی و نماینده سرمایه‌داران وابسته به امپریالیسم بود، نمی‌گذارند. در برخورد به مسئله زحمتکشان با عمده کردن و مهم جلوه دادن مسائل اقتصادی کارگران در این مرحله از انقلاب، کارگران را از کل جنبش و از بقیه مردم و نیروهای خلقی جدا می‌کنند. دنبال پیروزی سریع هستند و می‌خواهند همه مسائل را فوری حل کنند و تنها چیزی که برایشان مطرح نیست منافع عالیتر انقلاب، توطئه‌های ابرقدرتها و مسأله استقلال کشور است. اینها سنگ کارگر خواهی به سینه می‌زنند، اما منافع کارگران را محدود به یک‌شاهی دو ریالی می‌بینند و منافع آنان در مبارزه ضد امپریالیستی را در درجه بعدی قرار می‌دهند. اینها در واقع کارگران را تحقیر می‌کنند چه، مبارزه سیاسی را کار روشنفکران و مبارزه اقتصادی را کار کارگران می‌دانند.

۲- جریان دوم نماینده جناح انحصار طلب حاکم است که فقط به نقش خودش در انقلاب اهمیت می‌دهد و نقش نیروها و طبقات دیگر را در انقلاب منکر می‌شود. این گروه تصور می‌کنند که بدون بسیج وسیعترین نیروهای

داده و پایهی اصلی انقلاب کنونی را که - زحمتکشان هستند، تضعیف می‌کنند. به اعتقاد ما، هر دو جریان نادرست بوده و هیچکدام آنها به پیشبرد انقلاب و حفظ دستاوردهای آن کمک نمی‌کند.

خط مشی درست چیست؟

خط مشی درست، طرد هر دو جریان - نادرست و ایجاد و تقویت اتحاد بزرگ ملی مرکب از همه نیروهای خلقی است.

در دوران انقلاب شاهد بودیم که کارگران، دهقانان، روحانیون مبارز، روشنفکران، کسبه و پیشه‌وران و سرمایه‌داران ملی متحد شده و با هم مبارزه را به پیش بردند. راز پیروزی انقلاب ما اتحاد همه نیروها و تمرکز حمله روی دربار شاه، سرمایه‌داران وابسته و امپریالیسم آمریکا بود. در حال حاضر هم باید برای ایجاد و تقویت اتحاد بزرگ ملی علیه دو ابر قدرت آمریکا و روسیه کوشش کنیم.

بزرگترین دشمن طبقه کارگر، فلان سرمایه‌دار کوچک ملی نیست بلکه امپریالیستها و بویژه دو ابر قدرت شوروی و آمریکا هستند.

با پیروزی انقلاب در کشور ما امپریالیستها و بویژه امپریالیسم آمریکا ضربه‌های سختی وارد شده است. منافع امپریالیستها در کشور ما به خطر افتاده است و آنها دیگر نمی‌توانند مثل سابق ملکت ما را غارت بکنند. بنابراین بیگانه نمی‌نشینند و سعی می‌کنند در کار انقلاب ما اختلال نمایند.

امپریالیسم روس هم مترصد است که از فرصت استفاده کرده و جای خالی امپریالیسم آمریکا را در کشور ما پر کند. بنابراین باید برای دفاع از انقلاب و حفظ دستاوردهای آن و برای حفظ استقلال کشور در مقابل توطئه‌های قدرتهای امپریالیستی هشیار بود و کارگران بعنوان بزرگترین و قدرتمندترین طبقه در کشور نقش پیش‌تاز را در این مبارزه دارند.

طبقه کارگرایان که بیش از هر طبقه دیگری هم منافع خود و هم منافع عالیتر انقلاب را تشخیص می‌دهد، مبارزه ضد امپریالیستی را مبارزه عمده دانسته و برای پاسداری از انقلاب و حفظ دستاوردهای آن مبارزه خواهد کرد. بنابراین برخلاف فرصت طلبان با اصطلاح "چپ" و انحصار طلبان راست، خواهان وحدت کلیه نیروهای انقلابی در جامعه و ایجاد و تقویت اتحاد بزرگ ملی است، چرا که تنها از وحدت

ما در شماره‌های ۱۲ و ۱۶ رنجبر گزارشی از کارخانه ایران دو چرخ چاپ کردیم و کارگران و کارکنان کارخانه و اعضای شورای منتخب آنها را دعوت کردیم که وحدت و یکپارچگی خود را در مقابل صاحبان کارخانه و عوامل آنها حفظ بکنند و از این طریق توطئه‌ها و دسیسه‌های تفرقه انگیزانه‌ی آنها را نقش بر آب سازند. ما یادآور شدیم که شورا در مقابل صاحبان کارخانه باید به نیروی عظیمی که آنها را به عنوان نمایندگان خود برگزیده اند متکی باشند و در مقابل توطئه‌ها و دسیسه چینی‌های صاحبان کارخانه برهشاری خود بیفزایند.

مساءفانه پس از گذشت حدود یکماه از آن تاریخ، اخباری بدستمان رسیده که خبر از وجود یک فضای متشنج و ناآرام در کارخانه می‌دهد. در این میان نقش یکی از عوامل کارفرما که مدیریت کارخانه را به عهده دارد بخوبی آشکار است. این شخص که در دوران طاغوت نیز مدیر کارخانه بوده، با تحریک و شوراندن کارگران و ایجاد دودستگی در بین آنان، محیطی متشنج را در کارخانه بوجود آورده است. تا بهر چه پس از نفوذ در شورای کارگران باعث شده که کارگران در مقابل شورا بایستند و خواهان تصفیه و سپس انحلال آن بشوند.

بدین ترتیب با توطئه‌ها و دسیسه چینی‌های این شخص، یکی از دستاوردهای انقلابی کارگران یعنی شورای منتخب آنان منحل گردید. پس از اینکار، شخص مذکور با تظاهر به مسلمانی دست به فریب کارگران زده و با اجرای یک برنامه حساب شده موفق می‌شود گروهی از کارگران را در مقابل گروه دیگر یعنی کسانی قرار بدهد که بر علیه او مبارزه می‌کنند و خواستار اخراج او می‌باشند. شرح مفصل حادثه را در زیر می‌خوانیم:

دو هفته قبل کارگران دست از کار می‌کشند و در رستوران کارخانه اجتماع میکنند. آنان خواستار اخراج امامیان مدیر کارخانه، انحلال شورا و تشکیل شورای دیگری متشکل از کارگران بودند. کارگران قبلاً هم بخاطر سهل انگاریهای شورا در مورد رسیدگی به وضع شرکت تعاونی و حیث و میل‌هایی که در شرکت صورت گرفته بود به شورا اعتراض کرده بودند. پس از حضور آقای طاهر خانی رئیس کمیته شهر صنعتی، نامبرده کارگران را به آرامش دعوت می‌کند و از آنها می‌خواهد که حرف‌های خود را بزنند. در این جلسه، رئیس شورا و مدیر کارخانه نیز شرکت داشتند. یکی از کارگران به پرداخت ۲۵۰۰ تومان اضافه حقوق و دادن خانه ویلائی به رئیس شورا اعتراض می‌کند. ولی مدیر کارخانه پاسخ

می‌دهد که: "ما به این شخص احتیاج داریم و به همین جهت حقوق او را اضافه کرده و به او خانه داده‌ایم تا اینجا بماند." یکی از کارگران به اعتراض می‌گوید: "پس اگر بما احتیاج ندارید بگوئید تا برویم. شما می‌خواهید با این وسیله رئیس شورا را بخرید." سایر کارگران هم حرف او را تأیید می‌کنند. در این جلسه درباره سود ویژه و شرکت تعاونی نیز صحبت شد که به نتیجه‌ای نرسید و در پایان، کارگران همچنان روی خواستهای خود پافشاری کردند. رئیس کمیته شهر صنعتی خواست کارگران مبنی بر اخراج امامیان مدیر کارخانه را تأیید کرد و قول داد که با مذاکره مسائل را حل کند و شخص دیگری را به سمت مدیریت کارخانه انتخاب کند. کارگران هم با این قول که از طرف نماینده امام داده شد به سر کار خود باز گشتند.

فردای آنروز، امامیان حاضر می‌شود که اضافه حقوق موقوفه کارگران را پرداخت کرده و بهر کارگر مبلغ ۱۰۰۰۰ ریال به عنوان سود ویژه بپردازد. وقتی کارگران از او سؤال کردند که این مبلغ به چه عنوان داده می‌شود، پاسخ می‌دهد که: "ما این مبلغ را در روز عید قطر می‌دهیم و شما آزادید هر فکری که می‌خواهید بکنید، خواه به عنوان فطریه و خواه به عنوان سود ویژه." عده‌ای از کارگران به او اعتراض می‌کنند که: "ما حقمان را می‌خواهیم و مستحق فطریه که معمولاً به فقرا داده می‌شود، نیستیم."

با تحریکات و توطئه چینی‌های این شخص، عصر آنروز یک راهپیمایی در کارخانه انجام می‌شود و فضای ضد کمونیستی در کارخانه ایجاد می‌گردد. به کارگران چنین وانمود می‌شود که: "اعتصابات شما به تحریک عده‌ای کمونیست است که قصد خواباندن تولید را دارند." در ضمن، این شخص لیستی هم از افرادی که صادقانه به پیشبرد انقلاب خدمت کرده و نقشه‌های او را افشا کرده‌اند به عنوان افراد ضد انقلاب و کمونیست تهیه می‌کند و آن را در اختیار کمیته قرار می‌دهد.

فردای آنروز ۴ نفر از افراد زحمتکش کارخانه که اسامی آنها در این لیست بوده توسط کمیته جلب می‌شوند. ولی کارگران که متوجه توطئه‌ها و دسیسه‌های چینی‌های این شخص می‌شوند مجدداً دست از کار کشیده و به کمیته می‌روند و از مسئولین کمیته خواستار آزادی دوستان خود می‌شوند. ظهر همان روز این چهار تن آزاد شده و به کارخانه باز می‌گردند. بدین ترتیب توطئه این شخص در جهت ایجاد تفرقه و نفاق در بین کارگران در اثر هشپاری و اتحاد کارگران خنثی و نقش

برآب می‌گردد. این شخص باز هم دست از توطئه چینی و نفاق افکنی بر نمی‌دارد و طبیعی است که اگر این توطئه‌ها عملی شود می‌تواند مشکلات زیادی را بار بار بیاورد که کوچکترین آنها تعطیل کارخانه و متوقف شدن تولید آن می‌باشد. کارگران می‌خواهند که به مشکلات و خواستهای آنها رسیدگی شود تا آنها مجبور نباشند هر روز برای خنثی کردن توطئه‌های مدیر کارخانه و سایر عوامل و ایادی کارفرما دست از کار بکشند. چون آنها به این امر واقفند که صاحبان کارخانه و ایادی آنها بخصوص امامیان می‌خواهند بدین وسیله تولید را خوابانیده و اینطور وانمود کنند که: "اینست نتیجه انقلاب اسلام ایران!"

به اعتقاد ما، کارگران و کارکنان کارخانه باید هر چه زودتر شورای مشترک خود را تشکیل بدهند. این شورا باید در برگیرنده کلیه کارکنان کارخانه اعم از کارگران، کارمندان، مهندسان و تکنسین‌های کارخانه باشد. اصرار روی این موضوع که شورا باید حتماً فقط از کارگران تشکیل شود، باعث دودستگی بین کارگران و سایر کارکنان کارخانه می‌شود و اینکار فقط به کارفرما و عوامل آن خدمت می‌کند. شورای مشترک کارکنان نماینده و سمل قدرت کارگران و کارکنان کارخانه است و با بودن این شورا، کارفرما جرات و امکان توطئه چینی و نفاق افکنی و تحریک و شوراندن گروهی از کارگران را بر علیه گروه دیگر پیدا نخواهد کرد.

اگر کارگران و کارکنان زحمتکش این کارخانه فاقد شورای منتخب خود باشند کارفرما از پراکندگی و تفرقه آنان بخوبی بهره برداری کرده و مقاصد شوم خود را که بر علیه همه کارکنان کارخانه است عملی خواهد نمود. به نظر ما برخورد کارگران به شورای قبلی غلط بوده است، انحلال شورا به ضرر کارگران و به نفع کارفرما بوده است. کارگران نباید روی انحلال این شورا پافشاری می‌کردند بلکه باید خواستار تصفیه آن از عناصر ناپاک و خریداری شده‌ها می‌شدند.

دوم اینکه، کارگران و کارکنان این کارخانه اعم از مسلمان یا کمونیست، مذهبی یا غیر مذهبی باید با هم متحد باشند و در راه سازندگی کشور، بالا بردن تولید و حفظ استقلال میهن بکوشند. کارگران باید هوشیار باشند که عوامل رژیم سابق و دشمنان انقلاب تخم تفرقه و نفاق و دشمنی را بین آنها نکارند. هرگونه تفرقه و جدائی بین نیروهای ملی و استقلال طلب اعم از مذهبی یا غیر مذهبی بضرر انقلاب و نفع دشمنان ماست.

خادم است فقط به نقش خودش در انقلاب اهمیت می دهد و نقش نیروها و طبقات دیگر را در انقلاب منکر می شود. این گروه تصور می کنند که بدون بسیج وسیعترین نیروهای خلق و شرکت دادن آنها در کارها، خودشان قادرند همه کارها را به پیش ببرند. این گروه به مسئله رفاه زحمتکشان توجه و حساسیت ندارند و هرگونه اقدام کارگران برای تامین خواسته های رفاهی و بهبود شرایط کار و زندگی و طرح خواسته های دموکراتیک از طرف نیروهای دیگر را توطئه عوامل ضدانقلاب می دانند و در نتیجه ناراضی را در میان توده ها افزایش

بنا بر این برخلاف فرصت طلبان با اصطلاح "چپ" و انحصار طلبان راست، خواهان وحدت کلیه نیروهای انقلابی در جامعه و ایجاد و تقویت اتحاد بزرگ ملی است، چرا که تنها از وحدت بزرگ خلق است که قادر خواهد شد رسالت تاریخی خویش را که ادامه پیروزمند انقلاب دموکراتیک و ضد امپریالیستی است بخوبی انجام بدهد و تنها با عمده شمردن وظیفه ضد امپریالیستی است که مبارزه او برای خواسته های اقتصادی نیز از حمایت وسیع خلق برخوردار شده و به پیروزی های بیشتری دست خواهد یافت.

حقوق و دادن خانه ویلائی به رئیس شورا اعتراض می کند. ولی مدیر کارخانه پاسخ در اثر هشیاری و اتحاد کارگران خنثی و نقشی

جهت ایجاد تفرقه و نفاق در بین کارگران در اثر هشیاری و اتحاد کارگران خنثی و نقشی

ملی و استقلال طلب از دشمنان یا غیر مذهبی بضرر انقلاب و نفع دشمنان ماست.

مبارزه در سیمان نگاه (مازندران) ادامه دارد

مبارزه میان کارگران و کار فرما در کارخانه سیمان گرگان و مازندران (نگاه) هم چنان ادامه داشته و این ماه شاهد تحولات جدیدی در این مبارزه بودیم.

روز سوم مرداد، نمایندگان کارگران کارخانه سیمان نگاه، خواسته های کارگران کارخانه را طی نامه ای در اختیار مقامات استانداری مازندران، اداره کار و مسئولان کارخانه قرار داده و برای رسیدگی به این خواسته ها تا روز یکشنبه ۷ مرداد به مقامات مربوطه مهلت دادند. مدت ها است که تحقق خواسته های مذکور بر اثر توطئه چینی مدیر کارخانه به تاخیر افتاده است. این خواسته ها عبارتند از:

- ۱- پرداخت حقوق های عقب افتاده کارگران.
- ۲- ترمیم حقوق کارگران بر اساس بخشنامه جدید وزارت کار و اعلام تاریخ پرداخت آن.
- ۳- پرداخت حق مسکن و خوار بار مطابق سایر کارخانه های منطقه.
- ۴- روشن شدن وضع بیمه و دفترچه خدمات درمانی.
- ۵- شرکت نمایندگان کارگران در جلسه مدیران کارخانه جهت شرکت در تصمیم گیری های مربوط به کارگران.
- ۶- تهیه سرویس برای کارگران دهات اطراف.
- ۷- تهیه وسایل و لوازم کار.

در این مدت هیچگونه جواب مساعدی به خواسته های کارگران داده نشده و به جای اینکه با نمایندگان منتخب کارگران مذاکره شود، از طرف کارخانه به محض از آنان جوابی سیم بند و غیر قانع کننده ای داده شد.

در ساعت ۱۰ صبح روز یکشنبه ۷ مرداد، با اتمام مدت مهلت تعیین شده، کارگران کارخانه به طور دست جمعی اعتصاب کرده و دست از کار کشیدند. آنها اعلام کردند که تا رسیدن به تمام خواسته های خود به مسکن کار باز نخواهند گشت. کارگران از اینکه کار فرمای سابق (مدیر کارخانه) در تهران نشسته و بر علیه کارگران توطئه چینی میکند ناراحت هستند و خواستار اخراج او از دفتر مرکزی کارخانه می باشند. یک هفته بعد در تاریخ ۱۳۵۸/۵/۱۵ تعرض دیگری از طرف کار فرما و سهامدار عمده (که اکنون دولت ۲۰٪ سهام راو را

گرفته است)، طرح ریزی شد. که این بار با دفعات قبل دو تفاوت اساسی داشت. اول اینکه پاسداران تحت عنوان اینکه تحصن ممنوع است تهدید به سرکوبی شدید کردند و اعلام می دارند که اینک سهام کارخانه از آن دولت است. ثانیاً دیگر بروشنی به کارگران گفته اند که در حدود ۳۵۰ نفر از ۵۸۰ نفر را بیرون خواهند کرد زیرا به اصطلاح "مازاد بر احتیاج" تشخیص داده شده اند. کارگران تصمیم داشته اند که از ۵۸/۵/۲۰ به اتفاق زنان و کودکان خود به تحصن ادامه دهند.

کار فرما هم دست با چند آدم با نفوذ در روستاهای اطراف است که سعی می کنند دهقانان را علیه کارگران بسیج کنند و به آنها وعده ای کار در کارخانه در صورت سرکوب جنبش کارگری و اخراج کارگران را داده اند. در این تعرض کار فرما، چند مهندس که یکی از آنها عوامل کار فرما و دیگری از عناصر طرفدار روسیه است هم فعال هستند. ما در زیر نامه کارگران متحصن را به دادستان انقلاب در بهشهر منتظر می کنیم. تنها نکته ای که باید اضافه نمود این است که مبارزه کارگری تنها با تمرکز قواری دشمن عمده در هر مورد مشخص می تواند به پیروزی دست یابد و باید با تشخیص درست، عناصر نا آگاه دهقان یا پاسدار را آگاه و متحد خود و یا حداقل خنثی نماید و آتش حمله مبارزه خود را برانگیزد.

ریاست محترم دادگاه انقلاب اسلامی بهشهر!
محترماً " سروش می داریم! ما کارگران کارخانه سیمان گرگان و مازندران که در تاریخ ۱۳۵۸/۵/۱۵ ساعت ۲ بعد از ظهر به هنگام خروج از کارخانه با توطئه های سیم بند مردمی و خائفانه ترور شدیم که عده ای از هموطنان روستایی ما را تحریک کرده بودند و با سنگ و چوب و چماق به ما حمله ور شدند. جریان حادثه بدین صورت است که به دنبال توطئه های قبلی سرمایه داران و کار فرمایان و عوامل آنها در کارخانه که وابسته به بیگانگان شرق و غرب می باشند و تبلوران به صورت تهدید و تطمیع و ارعاب و فشار و دستگیری نمایندگان واقعی منتخب ما و همچنین دیر کرد عمده در پرداخت حقوق و مزایا و دمه توطئه دیگر، اینک بار دیگر حادثه آفرینان جریانی ضد خلقی و ضد کارگری می باشند که با سوء استفاده از

اختلافاتیکه بنیانگزاران در هنگام خرید زمین برای کارخانه نیز خود آنان بودند و به روستائیان دهات آبلو و زرین دین قول داده بودند که آنها را به هنگام شروع تولید در کارخانه استخدام خواهند کرد تا بدانجا پیش رفتند که با سوء استفاده از نا آگاهی آنها مقدمات حمله آنان را به ما کارگران فراهم کردند و به سادگی بر همگان روشن است که وحدت کارگران و دهقانان که ستون وحدت بزرگ ملی ما در انقلاب بود و ضامن پیروزی آن، نمی تواند به مرحله ای کشیده شود که این زحمتکشان در مقابل یکدیگر قرار گیرند مگر اینکه دست توطئه گران وابسته به بیگانگان در کار باشد، همچنانکه هست و ما کارگران وجود این عناصر وابسته به شرق و غرب را در کارخانه حس می نمایم. از آنجا که نتیجه این توطئه ضد کارگری ضد مردمی منجر به مجروح شدن چند نفر از کارگران و همچنین ایجاد خساراتی به سرویس های کارخانه و دستگیری و تهدید یا اخراج نمایندگان منتخب ما شود و موجبات ایجاد عدم تأمین جانی را برای ما بوجود آورده و نتیجه اجباری آن تحصن ما کارگران بر خلاف میل باطنی ما می باشد که همگی بخوبی واقف هستیم که دارای نقش تاریخ ساز می باشیم و باید در این مرحله حساس تاریخی تولید را تا به آن حد برسانیم که از نظر تولید خود کفا شویم و موجبات استقلال اقتصادی و دنبالش استقلال سیاسی مبین عزیز را فراهم آوریم و برای همیشه دست ابر قدرتها و کلیه امپریالیستهای جهانخوار را از دامن وطن کوتاه نماییم. مضر" از آن مقام مسئول خواستاریم که با بیگیری در امر تحقیق و بررسی از همه کشاورزان عامل توطئه در روستاهای مزبور و عناصر اصلی این خیانت را کشف و تسلیم دادگاههای انقلاب نمایند. باز گشت سریع ۵ نفر نمایندگان را به کارخانه به منظور شروع مجدد کار خواهیم و همچنین خسارات وارده را به سرویس های کارخانه می خواهیم. در صورت عدم بیگیری مجبور خواهیم شد که تا تحقق خواسته های محقانه و کارگری خویش تا به آخر مبارزه نامشخص و خواسته های خود را تقدیم وزارت کار و دولت موقت و در نهایت تقدیم رهبر جنبش و انقلاب امام خمینی نماییم. با تقدیم احترام کارگران متحصن کارخانه سیمان گرگان و مازندران

مرگ يك كارگر شريف



شهیدی حسین حاجیان یکی از لشکر عظیم و پرتوان طبقه کارگر دلاور ایران در سر کارش در بندر بوشهر جان سپرد. او همانند میلیونها کارگر از طلوع تا غروب آفتاب بدون خستگی کار میکرد و دلاورانه در اعتصابات و تظاهرات اخیر شرکت فعال داشت.

بعد از انقلاب که کارگران مجدداً با شورش و امید زندگی بهتر در پرتو انقلاب، راهی محل کارهایشان شدند او نیز مشتاقانه و برای پیشبرد اهداف انقلاب و برای رسیدن به عدالت اجتماعی در پرتو حفظ آزادی و استقلال وطنش جانانه کار کرد.

شهیدی حسین کارگر کشتیرانی آریادر هنگام تخلیه بار به انبار کشتی سقوط کرد و در اثر نداشتن کلاه ایمنی سرش متلاشی شد. از وزن و ۴ فرزندش بجا مانده که تنها نان آفر خانه شان را از دست داده اند.

نساجی بهشهر

کارگران مبارز کارخانه نساجی بهشهر که از سندیگای فرمایشی خود که باز مانده رژیم ضد کارگری سابق است، ناراحت بودند تصمیم به انحلال آن گرفتند. آنان این سندیگا را تحلیلی دانستند و اعضای آن را نمایندگان واقعی خویش می دانستند. اخیراً کارگران کاندیداهای جدیدی تعیین کردند و فعالیت برای برگزاری انتخابات سندیگای واقعی خود را آغاز کرده اند. ما این پیروزی را به کارگران مبارز کارخانه نساجی بهشهر تبریک می گوئیم و امیدواریم انتخابات سندیگای منتخب کارگران این کارخانه با موفقیت هر چه نامر صورت بگیرد.

دعوت به همکاری

رفقای کارگر!
"رفیق" متعلق به شما و منکی به مناست. ما از آنجا که متعهدیم شما را خدمت خلقی آنکه به نیروی لایزال بوده است، از شما می خواهیم تا در انجام وظایفمان یاری و کمک نمائید. برای اینکه ما بتوانیم خواسته ها و مطالبات شما را ممکن کنیم از شما تقاضای کارگری می خواهیم از فعالیتها و رویدادهای محل کار و زندگی خود خبر و مطلب تهیه کرده و در ایمان بفرستید. مسئول اگر انتقاد یا سوال یا پیشنهادی دارید برایمان بفرستید. ما منتظر دریافت مطلب شما و مطالبه خبرنامه در کار این است. انتقاد و نظر و خبر و عکس از طرف شما هستیم.

مصاحبه با جلال...

صدام شروع به زندانی کردن و محاکمه کردن گروهی از رهبران و اعضای همان شورای به اصطلاح انقلاب عراق کرد.

سبب منفجر شدن این تضاد، البته چیزهای زیادی است. علی که اخیراً باعث شد که این تضادها منفجر بشود این بود که عده زیادی از هم میهنان عراقی ما زیر شکنجه سازمان امنیت عراق که زیر نظر برادر صدام حسین اداره میشود کشته شده‌اند. و صدام می‌خواست یک بیدادگاهی به اصطلاح انقلابی تشکیل شود رهبری مهدی الدین عبدالحسین که سر دفتر رئیس جمهوری سابق عراق احمد حسن البکر بوده، البته از این طریق می‌خواست که مسئولیت را به عهده عبدالحسین البکر بگذارد می‌خواست او را رئیس این بیدادگاه بکند که قرار اعدام کردن کسانی را صادر کند که زیر شکنجه کشته شده‌اند. و این مهدی الدین عبدالحسین از احمد حسن البکر می‌پرد چکار کند و او به ایشان می‌گوید که این کار را نکنند و این باعث می‌شود که صدام حسین مهدی الدین عبدالحسین را از همه پست‌های خودش بیرون بکند، و احمد حسن البکر البته خیلی ناراحت می‌شود و استعفا میدهد. البته قبلاً هم اختلافات زیادی بوده بین ایشان و بعد از این استعفا احمد حسن البکر، گروه صدام تمام قدرت را در دست خودش گرفت، هم قدرت حزبی و هم قدرت دولتی و هم خودش شد فرمانده کل نیروی مسلح عراق و برادر زن صدام شد و زورچنگ و معاون و فرمانده کل نیروی مسلح عراق. بعد از این کار، پنج‌شش تا از رهبران حزب حاکم در عراق به نام قاتوم عبد جلیل، محمد عاعیش، مهدی الدین عبدالحسین و محمد محبوب زندانی شدند، البته عبدالحسین هم در مقام نخست وزیر بود و هم عضو رهبری، او هم زندانی شد و حالا شایعات زیادی است که اینها را زیر شکنجه کشته‌اند و رهبران ایالتی حزب حاکم در عراق و گروه زیادی از افسران ارشد ارتش عراق هم زندانی شده‌اند.

بروز این تضاد با این شیوه حاد یک مبارزه خلق عراق، این تضاد بین گروههای حاکم در عراق برای مردم روشن می‌سازد که رژیم پوشاری است و در تحلیل نهایی یک ببر کاغذی است و این طور وحشتناک و مخوف و قوی نیست که خودش می‌خواهد این صورت را به خودش بدهد. البته چیز دیگری که در عراق زخ داد این بود که دولت عراق توطئه‌های علیه انقلاب خلق فلسطین و علیه وحدت کشورهای عربی که با توافق نامه "کسپ دیوید" دشمنی دارند، فاش شده (دولت عراق) می‌خواست با این توطئه‌ها برای خنثی کردن مبارزه خلق فلسطین زیر پرچمهای افراطی

رنجبر

انقلاب در ایران باعث شود که این مصیبتی که شاه بر سر کرده‌ها آورده بود، از بین برود. یعنی این تکرار موقت که دست نشانده شاه بوده و رژیم شاه ایشان را تقویت می‌کرد امید بود که دولت اسلامی بر خلاف دولت شاهنشاهی رفتار کند و ایشان را اگر پنهاننده سیاسی هستند، خوب مثل همه پناهندگان سیاسی در ایران باقی بمانند و کارهایی که به عهده پنهاننده سیاسی است بیشتر نکنند ولی حالا ایشان را تبدیل کرده‌اند به یک گروه مسلح مزدور. ما قیاده موقت را بازوی مسلح امپریالیسم و صهیونیسم می‌شناسیم و خلق کرد این حقیقت را می‌داند و خیلی از اسناد و نوشته‌ها و مضمرها در دست خلق هست در باره این مسئله. حالا خلق کرد و مبارزین کرد وقتی می‌بینند که دولت موقت ایران از این‌ها پشتیبانی می‌کند، البته خیلی دلشور شده‌اند. و واقعا "این اثر خیلی منفی داشته بین کردهای عراق. البته مسئله کردهای ایران، البته همه مبارزین کرد عراقی امیدوار بودند که این براه دمکراتیک و براه مسالمت آمیز و به راه سیاسی حل بشود و این یک چیزی بشود در کردستان ایران که کردستان ایران یک پایگاه انقلاب ایران باشد. و هیچ مجالسی نشود برای تضعیف انقلاب ایران ولی متأسفانه سیاستی که در کردستان ایران در جریان است شیوه‌ای به خود گرفته که این امید را نابود می‌کند، در کردستان ایران خلق می‌بیند و ما هم می‌بینیم شاهد هستیم چون مرز مشترک داریم مثلاً اسلحه‌های دولت به فتودالها داده می‌شود، صدها قبضه سلاح به فتودالهای ساواکی خیلی معروف داده، این فتودالها دشمنان خلق هستند، دشمنان دهقانان هستند و دهقانان بر علیه این‌ها قیام می‌کنند. و آنجا بر خورد بوجود می‌آید.

و یا می‌بینیم مثلاً به جای اتکاء به نیروی خلق به جای اعتماد به خلق کرد و همبستگی با خلق کرد، به توده‌ها، با کسانی که مبارز و دشمن امپریالیسم و دشمن ارتجاع و دشمن رژیم شاه بوده‌اند، به جای این همکاری با ساواکی‌های سابق و جیره‌خوران شاه و فتودالها و نیروهای مرتجع می‌شود، اینها باعث نگرانی شده. اخیراً باید بگویم که کردهای عراق بخصوص مبارزین کرد عراق که خودشان را پشتیبان و دوست و برادر مبارزین ایران می‌دانستند و میدانند، امیدوار بودند که بعد از پیروزی انقلاب اقلی پشتیبانی و کمک به ایشان بشود و این هم که نشده، و نه فقط نشد کارهایی بر خلاف هم در جریان است، این هم باعث یک‌جور نگرانی شده، با این همه البته ما امیدواریم که رهبری انقلاب و دولت ایران رفته رفته تجدید نظر کنند در اوضاع کردستان و وقایع عراق را بررسی کنند و یک سیاستی واقعا "انقلابی در کردستان ایران در پیش گیرند که این حتماً در کردستان عراق هم انعکاسات مثبت خواهد داشت.

پالیزبان آنجاست و برادر سالار جاف که اعدام شد، سردار جاف حالا در بغداد و عراق با هلی کوپتر ایشان را از داخل مرز ایران منتقل داد و به "کلا" که یک شهرک کرد نشین است. و این دار و دسته سردار جاف حالا از دولت عراق اسلحه گرفته و می‌خواهند چریکهای مزدور برای خودشان ثبت نام کنند و پول می‌دهند که گروهی از این کسانی که حاضر هستند با ایشان همکاری کنند دور خودشان جمع کنند.

در مناطق دیگر با فتودالها در منطقه مثلاً جلدیان با عبدالله آقای جلدیان یکی از فتودالهای مشهور در تماس هستند و در مناطق دیگر هم با کسانی که خود فروش هستند و عراق می‌داند. با اینها، بخصوص با فتودالها و ساواکی‌های سابق هم تماس دارد و ما نمی‌خواهیم همه چیز را پخش کنیم ولی اطلاعاتی داریم که در خیلی از جاها پول و اسلحه می‌دهند تا اغتشاشات آشوب در کردستان و جاهای دیگر ایران پیدا شود. البته مقصد و آرمان دولت عراق این نیست که کردها یا اعراب در ایران به حقوق حقه خودشان، به آرمان‌های خودشان نااثر آیند. این را می‌خواهند که در ایران یک آشوب و شلوغی بوجود بیاورد تا دولت ایران را وادار به این کند که سازش کند مثلاً ما کاری با شما نداریم، دخالت در ایران نخواهیم کرد شما هم کاری به ما نداشته باشید و دخالت در عراق نکنید. البته از همه چیز بیشتر دولت عراق از پشتیبانی رهبری انقلاب اسلامی از شیعه‌های عراقی هراس دارد و از این می‌ترسد. شاید این قدر که در نزد خودشان اظهار می‌کنند در برابر مسئله کردستان و دیگران نباشد، چون می‌دانند ما در کردستان چندین سال است که مبارزه می‌کنیم و زمانی هم که شاه بود مسئله قیام برادران شیعه عراق خطری بر سر باقی ماندن یا نماندن دولت صدام حسین نداشت یعنی اصلاً این قیام باعث بشود که دولت صدام حسین از زمین برود.

در رابطه با انقلاب فلسطین و سیاست ترور و قتل مبارزین عراقی هم عراق در این دو سه ماه اخیر بر خلاف این وعده‌ها و قولهایی که به سازمان آزادیبخش فلسطین داده بود رفتار کرد. در فلسطین معاون سر دبیر روزنامه فلسطین الثورة را کشتند. او در بیروت معاون سر دبیر فلسطین الثورة بود که ارگان رسمی سازمان آزادیبخش فلسطین است. در یمن جنوبی یک استاد عراقی به نام "دکتر توحید کل رشدی" را کشتند و این باعث شد که این قاتلین فرار کردند به سفارت عراق و پلیس یمن جنوبی رفت سفارت را گرفت و اینها را بیرون آورد و بواسطه دیپلماتیک یمن و عراق تیره شد. در این ماهها می‌بینید که خیلی چیزها در عراق روی داده ولی به نظر ما باید در نظر بگیرید که مبارزات خلق عراق و مبارزات

کشورهای آمریکا و انگلستان و بعداً فرانسه و ژان مریو باستام می‌خواهیم این وابستگی غیر مستقیم عراق با استعمار نوراً قطع کنیم و مبارزه ما برای استقلال اقتصادی و سیاسی عراق است.

سوال: نظر شما در باره اوضاع کنونی کردستان ایران چیست؟

جواب: البته ما درباره موضوع کردستان ایران چند اصل داریم که از این اصول پیروی میکنیم. یک اصل اینست که ما پشتیبان انقلاب ایران هستیم و انقلاب ایران را یک گام بزرگ بسوی رهائی خلقهای خاورمیانه از جمله خلق کرد میدانیم، بنابراین ما از هر چیزی که انقلاب ایران را تضعیف بکند پشتیبانی نمی‌کنیم و نخواهیم کرد. ما اعتقاد داریم که این انقلاب ایران باید هر چه بیشتر به پیش برود و بسوی پیاده کردن شعارهای خود برود و همه آرمانهای خودش را بدست بیاورد. این اصل اول. اصل دوم اینست که ما مؤمن و معتقد به دخالت در امور کردستان ایران نیستیم. ما معتقد هستیم نیروی خلق سازنده آینده و سرنوشت خودش است و انقلاب را نمیتوان از کشوری به کشوری دیگر صادر کرد. باید شرایط عینی و ذهنی مبارزه و انقلاب برای مبارزه و برای انقلاب موجود باشد.

اصل سوم اینست که ما با نیروهای مترقی و سرتاسری ایرانی یعنی با همه نیروهای خواهیم دوستی و رابطه مبارزاتی داشته باشیم. بهمین منظور و بهمین مقیاس با نیروهایی که در کردستان هستند هم اگر مترقی باشند و انقلابی باشند رابطه و دوستی داریم یعنی ما هیچ تبعیضی قائل نیستیم که چون نیروها در کردستان یا سازمانها، کرد هستند نباید با اینها رابطه داشته باشیم، یعنی ما وقتی می‌گوئیم که با همه گروهها و احزاب و جمعیت‌های ایرانی دوست هستیم پشتیبان همه دیگر هستیم و وحدت مبارزه داریم و همکار می‌کنیم و می‌خواهیم رابطه دوستی و برادری بوجود بیاوریم این البته شامل کردستان ایران هم میشود.

مثلاً مثالی برای شما بیاوریم. اخیراً از ما می‌پرسند در مورد رابطه ما با شیخ عزالدین حسینی. خوب، ما می‌خواهیم رابطه خوبی داشته باشیم با آیت الله طالقانی یا آیت الله منتظری بهمین مقیاس می‌خواهیم با آیت الله شیخ عزالدین حسینی هم رابطه خوبی و دوستانه‌ای داشته باشیم. یعنی چون ایشان کردند ما این تبعیض را قائل نیستیم که با ایشان رابطه برقرار نکنیم. می‌گوئیم همه ایرانیها برابر هستند. نکته دیگر اینکه ما در کردستان ایران خودمان را نه راهنمای کسی میدانیم و نه کاری میکنیم و یا اجازه بخودمان بدهیم که کاری بکنیم که حتی بونی از رهبری یا راهنمایی برای دیگران از آن بیاید. ما تبادل نظر میکنیم و از تجربیات همدیگر یاد می‌گیریم ولی این کار به این معنا نیست که دخالت در کار داخلی همدیگر را بکنیم یا راهنمایی همدیگر را بکنیم.

که خیلی خطرناک بوده علیه خلقهای ایران هم هست. بهترین شیوه حل اشکالات گفتگوی دولت و نماینده انقلاب است با نماینده خلق کرد و راه حل سیاسی و راه حل مسالمت آمیز. ما فکر میکنیم این به نفع خلق کرد است و به نفع انقلاب ایران است و به نفع دولت ایران است. ریشه مسئله دخالت امپریالیستها و مسئله دخالت دولت عراق و سازمانهای جاسوسی را باید در نظر بگیریم و باید سعی بکنیم که زمینه برای پیروزی توطئه‌ها و نقشه‌های این دولت‌ها و سازمانها بوجود نیاید.

(ادامه دارد)

مطبوعات وابسته

شدیم که آیندگان علیه انقلاب قد علم کرده و از منافع امپریالیستها در برابر انقلاب اسلامی با شیوای ذرو یا نه پشتیبانی می‌کند. در آن زمان ضمن انتقاد از شیوای سیاسی آیندگان و هشدار به گردانندگان آن که ادامه این شیوای عاقبت خوبی نخواهد داشت، تاکید کردیم که شیوهی مبارزه با "آیندگان" می‌بایستی سیاسی بوده و از طریق افشاگری به پیش رود.

ما امروز بار دیگر می‌گوئیم مبارزه علیه مطبوعاتی که از خط مشی خدمت به امپریالیستها و عاملان پیروی می‌کنند را باید تا به آخر به پیش برد. انقلاب می‌بایست در جنبه‌های مختلف ادامه یافته و عمیق گردد، از آن جمله است، جنبه مطبوعات. در این جنبه انقلاب حرکت اساسی صورت نگرفته است، مؤسسات مطبوعاتی تحت نفوذ امپریالیستها همچنان پا بر جا هستند و نویسندگان به ظاهر دمکرات و در واقع خدمتگزار امپریالیسم همچنان قلم در دست به مسموم ساختن افکار خلق مشغولند.

امروزه علاوه بر مطبوعات خدمتگزار آمریکا، مطبوعات دیگری بوجود آمده‌اند که علناً و بی شرمانه از امپریالیسم روسیه دفاع نموده و به مشاهده گری این امر قدرت استیلا طلب مشغولند و کسی را با آنها کارچندان نیست. دادستان انقلاب، "آیندگان" را فقط خدمتگزار امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم می‌خواند، در حالی که در تبلیغات "آیندگان" سیاست خدمت به امپریالیسم روس جا و مقام مهمی داشته است.

اینکه آیا آیندگان پس از انقلاب، جاسوس مستقیم این یا آن نیروی خارجی هم بوده است، امریست که باید در دادگاه روشن شود ولی آنچه غیر قابل انکار است پیروی این نشریه از مشی خدمت به دو ابر قدرت آمریکا و شوروی و عمال آن بوده‌است

عربی که با توجه به توطئه‌ها در عراق تیره شد. دشمنی دارند، فاش شده (دولت عراق) می‌خواست با این توطئه‌ها برای خنثی کردن مبارزه خلق فلسطین زیر پرچمهای افراطی خود را مخفی کند دیگر معلوم شد که دولت عراق در عمل دشمنی با خلق فلسطین دارد و این کارهایی که در ظاهر می‌خواهد بکند همه برای فریب دادن خلق و عوام فریبی است و جز تبلیغات هیچ چیز دیگری نیست. در این ماههای اخیر انقلاب خلق در کردستان عراق خیلی پیشرفته، هم از لحاظ کیفیت و هم از لحاظ شاره‌ی مبارزین و پارتیزان‌های مسلح و هم از لحاظ روشن شدن خط مشی سیاسی و نظامی پیشمر که ما در کردستان عراق .

حالا در همه جا گروههای پیشمرگه مبارزه‌ستند و حتی در شهرها هم پیشمرگه‌های مخفی که به شیوه مخفی کار می‌کنند پیدا شده‌اند و شروع به فعالیت خیلی خوبی کرده‌اند.

یک چیز دیگر که اهمیت دارد، این است که در شهرهای عربی عراق بخصوص بغداد و در جنوب عراق و شهرهای دیگر گروههایی مسلح پیدا شده‌اند که مبارزات چریکی شهری دوشا دوش مبارزین کرد و عرب در کردستان عراق ادامه می‌دهند. این مبارزه البته جزئی از فعالیت و مبارزات این انقلاب مسلحانه است که در کردستان عراق ادامه دارد، دولت البته در انتظار این کار نیسود.

در زمینه روابط عراق با کشورهای عربی، در این ماه اخیر رابطه‌اش با عربستان سعودی خیلی قوی شده و با دار و دسته سعودی حتی توافق نامه مخفی هم امضاء کرده‌اند و حتی گفته‌اند که صدام در باره این تغییراتی که اخیراً در عراق داده بود از " امیرفید " اجازه گرفته که چگونه رفتار کند، البته در این چند ماه اخیر هم رابطه شان با ایران خیلی تیره شد. شاید شما هم مثل همه مبارزین دیگر ایران میدانید که عراق در کار امور داخلی جمهوری اسلامی آن دخالت می‌کند، دار و دسته حاکم در عراق خیلی ناراحت هستند و هراس دارند از انقلاب در ایران و حالا می‌خواهند به هر شیوه که باشد کاری بکنند که دولت موقت جمهوری اسلامی ایران را وادار کند که توافق نامه‌ای که بین شاه و صدام امضاء شده بود احمیه کند. بنابراین هم در کردستان و هم در مناطق عرب نشین ایرانی در خوزستان دخالت می‌کند، اسلحه می‌فرستد و پول می‌فرستد و عده زیادی از افسران و کارمندان دولت شاهنشاهی سابق به عراق پناهنده شده و از ایشان پذیرایی شده و مثلاً "از جمله

دیده‌امتیاز یمن و عراق تیره شد. در این ماه‌ها می‌بینید که خیلی چیزها در عراق روی داده ولی به نظر ما باید در نظر بگیرید که مبارزات خلق عراق و مبارزات توده‌های انقلابی به پیش رفت و از لحاظ دید آینده، اوضاع خیلی خوب است و می‌توانیم بگوئیم که با اینکه ما برای مبارزات طولانی تهیه ببینیم ولی این دولت کنونی صدام حسین نمی‌تواند بر خلاف اراده خلق عراق به مدت طولانی باقی بماند.

سؤال: در ۳-۴ ماه گذشته مناسبات و تغییرات انقلاب ایران در مبارزات برادران کرد عراق چگونه بوده؟ آیا مسائل کردستان ایران و حاد شدن تضاد خلق کرد با دولت مرکزی چه تأثیری در مبارزات شما داشته است؟

جواب: مبارزات ما البته جزئی از مبارزات خلق عراق است و انقلاب ایران از طرفی تأثیرات مثبتی بر خلق عراق گذاشته بخصوص بین برادران شیعه ما در عراق و این باعث رشد جنبش و مبارزات خلق عرب عراق شده. از طرف دیگر در کردستان هم پیروزی انقلاب ایران باعث این شد که توده‌های خلق اطمینان راسخ پیدا کنند که ممکن است بر دولتی با ظاهر قوی که دارای یک نیروی نظامی قوی و انواع اسلحه هست پیروزی به دست آورد و این باعث پیشرفت و گسترش مبارزات خلق و بالا بردن روحیه خلق شد. ولی این تضادها که متأسفانه می‌بینیم در کردستان ایران بوجود آمده واقفاناً تأثیرات منفی داشت چون از سوئی می‌بینیم که کسانی هستند در دولت ایران که ظاهراً و علناً از "قیاده موقت" پشتیبانی میکنند حتی شنیدیم که اسلحه و پول هم به ایشان داده‌اند. این "قیاده موقت" که خارج از کردستان عراق است و در زمان شاه چند پست در ایران داشت حالا در کردستان ایران خیلی وسیعتر فعالیت می‌کند و با همکاری کسانی که وابسته به دولت ایران هستند و با همکاری فتودالها و ساواکی‌های سابق این‌ها البته در پشت مبارزین کردستان عراق فعالیت می‌کنند و این باعث نگرانی شده، این باعث شده که قسمتی از نیروهای مسلح انقلاب دمکراتیک که در کردستان عراق است مشغول به مبارزه کردن با خرابکاری این گروه "قیاده موقت" بشود. البته توده‌های خلق کردستان عراق امید داشتند و امیدوار بودند که پیروزی

عراق را بررسی کنند و یک سیاسی واقفاً انقلابی در کردستان ایران در پیش گیرند که این حتماً در کردستان عراق هم انعکاسات مثبتی خواهد داشت. سؤال: "اتحادیه میهنی کردستان" چگونه در این منطقه که رقابت دو ابر قدرت آمریکا و شوروی وضع حاد و بغرنجی را بوجود آورده، خط مشی مبارزاتی خود را اتخاذ میکند و به پیش میرود؟

جواب: ما معتقد به استقلال هستیم ما معتقد هستیم که باید مستقل باشیم و به هیچ نیروی خارجی و به هیچ دولتی و به هیچ قدرتی بزرگ یا کوچک وابسته نباشیم و ما باید از لحاظ سیاسی، از لحاظ ایدئولوژی، از لحاظ فکر کردن و نقشه گذاشتن و مبارزه و همه چیز مستقل باشیم و ما معتقد هستیم که باید عراق هم استقلال خودش را حفظ کند و همه گروهها و رفق و احزاب دیگر موافق این هستند که ما مستقل باشیم و شخصیت مستقل عراقی خودمان را حفظ کنیم و مجال دخالت به هیچ نیروی در کار خودمان را ندهیم.

این انقلاب دمکراتیک که حالا در کردستان عراق شروع شده و برای رهائی همه عراق مبارزه میکند می‌خواهد همه توافق نامه‌های که عراق را وابسته به کشورهای خارجی میکند ملغی کند و در آینده استقلال عراق را حفظ کند و ماکشور خودمان را جزء کشورهای غیر متعهد میدانیم. کشور عراق را این میشناسیم و سعی میکنیم که کشور عراق مستقل باشد و به هیچ بلوکی وابسته نباشد.

ما خودمان البته متکی به نیروی خلق خودمان هستیم ما ایمان داریم، و تجربیات مبارزات خلق کرد عراق ثابت کرده که وابستگی بهرجهتی خیلی ضرر بخش و خطرناک است باید جنبش خلق متکی به نیروی لایزال خلق باشد و ما هم به این اصل معتقد هستیم بنابراین ما نه وابستگی به هیچ قدرتی و نه دخالت هیچ قدرتی در امور خودمان، انقلاب خودمان یا عراق را قبول نداریم. و ما میدانیم و این طور فکر میکنیم و انقلاب ما با نیروهای مترقی در خاور میانه بخصوص با انقلاب ایران و انقلاب فلسطین وحدت مبارزاتی داشته باشد و این عراقی که ما میخواهیم بوجود بیاریم، یک عراق مستقل و متکی بخود و متحد با کشورهای عربی دیگر و کشورهای انقلابی مثل ایران خواهد بود. ما میخواهیم که نفوذ دولتهای خارجی در منطقه خاور میانه بیرون برود بعد که البته ما در عراق مواجه با دخالت امپریالیسم آمریکا و کمپانیهای انحصاری نفتی و دیگر امپریالیستها هستیم و اگر نگاهی به روابط اقتصادی عراق و کشورها بکنیم می‌بینیم که ۸۵٪ اقتصاد عراق با کشورهای امپریالیستی بخصوص با

باید ما به قدر می‌بینیم و از تجربیات همدیگر یاد می‌گیریم ولی این کار به این معنا نیست که دخالت در کار داخلی همدیگر را بکنیم یا راهنمایی همدیگر را بکنیم. در کردستان ایران طبق این اصول ما اوضاع را بررسی میکنیم. ما می‌بینیم که باید رابطه خوبی بین رهبری انقلاب اسلامی ایران با خلق کرد ایران بوجود بیاید و این موافقی که در راه بهبود رابطه خلق کرد و دولت مرکزی و رهبری انقلاب هست، از بین برود. البته مسئله دادن خودمختاری و شیوه خودمختاری این یک امری مربوط به کردهای ایران و دولت ایران است ولی مسئله تشویق عناصر وابسته به عناصر امپریالیسم و صهیونیسم و احمیای نوکران سابق شاه ایران و ساواکی‌های قدیم و قیاده موقت بازوی مسلح امپریالیسم و صهیونیسم در کردستان مسئله است که با ما هم رابطه دارد، چون تأثیر بر کار ما هم خواهد داشت.

ما فکر میکنیم که دولت انقلاب ایران باید به کردستان برسد این انقلابی است که همه ایران به کردستان ایران برسد. کارهای انقلابی که در تهران یا جای دیگر ایران شده باید در کردستان هم اجرا بشود. باید دولت با خلق و توده‌های خلق و دهقانان و زحمتکشان با کشاورزان رابطه خوبی داشته باشد و از راه اعتماد به اینها متکی باشد و از اینها پشتیبانی بکند. باید از همکاری با فتودالها و ساواکیهای سابق خودداری کرد و این به نفع انقلاب ایران است اگر این کار را بکند به نفع تمامیت ارضی ایران است.

نکته دیگر اینکه باید علیه توطئه‌های امپریالیستی و صهیونیستی و توطئه‌های دولت فاشیست عراق و سازمانهای جاسوسی اسبیا "میت" و "موساد" اسرائیلی همه با هم همکاری بکنیم و برای خنثی کردن این توطئه‌ها مبارزه کنیم. ما خودمان را پاسدار خلق انقلاب ایران میدانیم. ما هیچ نمیگذاریم خرابکاران یا جاسوسان یا عناصر مرتجع از این مرز استفاده بکنند و علیه انقلاب ایران کاری بکنند. فکر میکنم هر جایی این عوامل امپریالیسم باشند ما باید علیه شان مبارزه کنیم ما باید علیه این عوامل کاری بکنیم که توطئه‌های ایشان خنثی شود.

در ایران حالا اوضاع خیلی متشنج شده، ما فکر میکنیم باید راه سیاسی در پیش گرفت، راه حل مسالمت آمیز. اشکالات و مسائلی که آنجا وجود دارد، توسل به اسلحه با قدرت مسلح چه از سوی دولت ایران چه از سوی کسان دیگر ما سگار رادرست نمی‌بینیم، ما اینکار را خیلی خطرناک می‌بینیم. این وضعی بوجود می‌آورد

روشن شود ولی آنچه غیر قابل انکار است پیروی این نشریه از شی خدمت به دو ابر قدرت آمریکا و شوروی و عمال آن بوده است ما ضمن تأکید، لزوم ادامه‌ی افشاگری علیه مطبوعات که علیه انقلاب و به سود امپریالیستها تبلیغ می‌کنند، در مورد مشخص آیندگان معتقدیم باید در افشای آن پیروی خدمت آن به این دو ابر قدرت تأکید کرد. در جواب به سؤال دوم، ما با شیوه‌ی توقیف آیندگان و دستگیری عده‌ای از کارکنان آن مخالفیم. شیوه‌ی افشای آیندگان باید توده‌های سیاسی باشد. یعنی چنان شیوه‌هایی را باید به کار برد که مردم بیشتر به ماهیت این نشریه پی ببرند و خط مشی آن شناخته شده و منفرد گردد.

یورش دستگیری غافلگیرانه اعضای هیئت تحریریه بهیچوجه نمی‌تواند به امر تحکیم انقلاب، به مبارزه با هرج و مرج، به امر اتحاد بزرگ ملی خدمت نماید. این شیوه کار بنا درست مستمسکی به دست "دمکرات" نماها و "چپ" نماها خواهد داد که بار دیگر هیاهوی "فاشیسم آمد" را بر پا کنند و عده‌ای از مردم ما را بفریبند. این شیوه‌ی نا درست همچنین حربه بدست دشمنان انقلاب ما در بیرون مرزها میدهد، تا موج دیگری از تبلیغات مخرب، علیه انقلاب ما برآندازند و بالاخره این شیوه‌ی نا درست به عناصر سر سخت ضد دمکراسی امکان می‌دهد، تا علیه هر روزنامه‌ای که "مخالف" عقاید انحصار گرایانه و عقب افتاده‌ی آنها باشد، بر خیزند و به آزادی خلق ضربه زنند. این سر سخنان همانهایی هستند که در انتخابات اخیر تمام اعلامیه‌ها جز اعلامیه‌های هیئتی را پاره کرده و یا از دیوارها می‌کنند و در ماههای گذشته روزنامه‌های فروش‌ها و کتابفروشی‌های متعددی را به آتش کشیده‌اند. این سر سخنان ضد دمکراسی یکی از عوامل هرج و مرج در اوضاع کنونی اند. اعمال آنها به هیاهو‌های نشریاتی مانند "آیندگان" و "دمکرات" نماها حقیقت می‌بخشد. هدف آنها استفاده از نمونه آیندگان برای حمله بدست آوردهای انقلاب در زمینه دمکراسی است. بهیچوجه به آنها نباید مجال داد که در محیط رشد پیدا کنند.

مطبوعات خدمتگزار بیگانسان باید تصفیه و افشا گردند، این کار باید با روش صحیح افشاگری توده‌ای سیاسی انجام گرفته و همراه با مرز بندی و مبارزه با سر سخنان ضد دمکراسی باشد.





در روستاها

گرومانشاهان

شرکتهای سهامی زراعی تقسیم میشوند

دستشان در می آمد. مهندس دیبیا با استفاده از چماقهای دولتی به طرق مختلف منجمله تبعید و زندانی کردن برخی از روستائیان ستم دیده و مبارز و حقگو، کلیه دهقانان این منطقه را ارباب و سرکوب نمود این مقاومت دلیرانه را به طور موقت در هم شکست. دولت برای انجام این پروژه ضد دهقانی خود از زمینهای آبادی "بابا اسکندر" استفاده کرد. "شهرک" سازی موجب گردید تا حقوق اهالی این ده در شرکت از بین برود. آنچه برای اهالی تحت ستم این روستا باقی ماند، مبلغ ناچیزی بود که شرکت به سهامداران این ده در مقابل گرفتن زمینهایشان پرداخت و در واقع اهالی یک روستا را از هستی طبیعی و حقوق مسلم خود برای همیشه محروم نمودند.

اکثر کسانی که در این شرکت کار می کردند، جزو سهامداران شرکت بودند و تعداد اندکی نیز غیر سهامدار (از خوش نشینها یا به اصطلاح محلی "آب خور ها") در زمینها کار می کردند.

دولت خود هیچ سهمی نداشت ولی البته دستگاههای عریض و طویل اداری اش، دسترنج روستائیان ستم دیده را غارت میکرد. کل سهام این شرکت ۳۰۰۰ و متعلق به ۳۳۶ سهامدار است. بیشترین سهام متعلق به "رشید بهرامی" از خوانین بزرگ در منطقه بود. سهامدار بزرگ دیگر شرکت "حسین فولادی" شهردار سابق سر پل ذهاب بود. حسین فولادی در حال حاضر به جرم قتل و کشتار جوانان و مردم مبارز این منطقه در طول انقلاب متواری است. این شخص با همکاری عده ای از سر سپردگان به رژیم گذشته و برخی ثروتمندان غارتگر از جمله برادران ذوالفقاری، عزیز، و بک مراد احمدی، سلیم حاتمی و سرگرد دهناد عامل کشتار خونین تعدادی از اهالی منجمله شهید ایرج رستمی دانش آموز، شهیدی رضا و شهادت دو کارگر مبارز می باشد.

اعضای هیئت مدیره این شرکت به جز مهندس دیبیا مدیر عامل غبارت بودند از: ۱- بابا مراد شاهماری رئیس هیئت مدیره و مخبرانچی شرکت، عنصر منفور و چاپلوسی که از افتخاراتش چند مرتبه "شرفیابی" به "دربار" همراه خانواده برای اعلام جاکری است. این شخص در

اخیرا کشاورزان شرکت سهامی زراعی رضا پهلوی سابق (واقع در سر پل ذهاب گرومانشاهان)، که پس از انقلاب منحل شده، یک دسته خواستههایی را برای ادامه ی تولیدشان مطرح کرده اند که گویای مشکلات کشاورزی کشور پس از تخریب دستگاههای طاغوتی گذشته است.

این شرکت سهامی ۱۲ سال پیش ایجاد شد و حاصلخیزترین زمینهای ۱۰ آبادی را به تصرف خود در آورد. زمینهایی که بیشتر کشت آبی بودند و بطور مگانیزه کشت می شدند. بهره برداری از زمینهای زیرکشت این شرکت تا سال گذشته (۱۳۵۷) ادامه داشت.

مدیر عامل این شرکت شخصی بود به نام مهندس دیبیا که از خویشاوندان نزدیک فرح، زن شاه مخلوع بود. شخص مزبور به حق مورد تنفر و انزجار اهالی فقیر این منطقه بود و از هیچ تجاوزی به حقوق کارگران و روستائیان فقیر این منطقه کوتاهی نمی کرد. هر گونه اعتراض روستائیان و سهامداران جزء شرکت به تجاوزات و ستمگریهای مدیر عامل و هیئت مدیره، با کتک، آزار، تبعید و زندان پاسخ گفته میشد. چند نمونه زیر جنایات و ستمهای مدیر عامل و دستیارانش را روشن تر می کند:

عزیز مرادی زارع فقیری از روستای "بریموند" به جرم بردن یک کیسه گندم به ضرب مشت و لگد مهندس دیبیا کشته میشود ولی کسی جرات شکایت از او را نمی کند. مهندس دیبیا به کمک دستیارانش در هیئت مدیره شرکت زراعی، با مختصر کمکی به زن مقتول، جریان این جنایت وحشیانه و نا جوانمردانه را سرپوش می گذارد.

او عده دیگری از اهالی دهات را که زیر بار زور گوئیهای این مهندس و عمالشش نمی رفتند با همکاری ساواک و ژاندارمری به مناطق دور دست خارج از استان کرمانشاهان به مدت شش ماه تبعید می نماید.

هنگامی که قرار بود بازرسهای دولتی برای سرکشی بیایند، آقای مدیر عامل به اتفاق هیئت مدیره از آنان در مهمانسرای که برای این گونه میهمانان ساخته شده بود، پذیرائی می کرد و به هیچ کس اجازه ملاقات و صحبت کردن با هیئت های بازرسی داده

سازمان زحمتکشان کردستان ایران

علیه فرصت طلبان

دمکراتیک و تک تک مبارزین در کردستان می خواهیم آمادگی انقلابی خود را در برابر جنگلهای تیز جلا دان و عاملان امپریالیزم صد چندان کنند. با توده ای کردن مبارزات و دفاع از اتحادیه های دهقانی در سر تا سر کردستان و تشکیل و رشد اتحادیه های کارگری و سازمانهای دمکراتیک توده ای خود را آبدیده تر کنیم.

سرنوشت خلق ستم دیده کرد و آینده مبارزه طبقه کارگر ایران، در خطر قرار گرفته. با تشکل، سازماندهی و شرکت در مبارزات کارگران و دهقانان دین تاریخی خود را به انقلاب ایران ادا کنیم.

مرگ بر مرتجعین و سازشکاران و نوکران امپریالیسم زنده باد مبارزه بر حق مردم میروان و کردستان و سراسر ایران

به تاریخ ۵۸/۴/۲۸

اخیرا "سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان" طی انتشار اعلامیه ای به مناسبت حوادث میروان به بررسی اوضاع کردستان و مبارزه طبقاتی و ملی در آنجا پرداخته و در آخر اعلامیه خود متذکر می شود:

" ما به تمام نیرو هائی که میخواهند سازشکارانه حقوق ملی خلق ستم دیده کرد را آلت دست قرار داده و فقط در جهت به قدرت رسیدن خود از آن سوء استفاده نمایند اعلام می داریم که حل مسئله ملی در کردستان جدا از حل طبقاتی آن نبوده، خلق کرد تا به دست آوردن حق تعیین سرنوشت خود به مبارزه ادامه خواهد داد و هیچ امتیاز اصلاح طلبانه ای اعم از لباس، زبان، فرهنگ و ایجاد ژاندارمری یا پلیس محلی بدون محو کامل ارتجاع و سرسپردگان امپریالیسم و سلطنت طلبان نمی تواند امنیت واقعی را به کردستان بر گرداند. و نیز از همه سازمانها و جمعیت های

مبارزه برای تغییر شرکت تعاونی

روستای گلغرا (گرگان)

خواستار انحلال شرکت خواهیم شد. برای اینکه با وضع دهنده اجرای شرکت تعاونی بیشتر آشنا شویم پای صحبت چند نفر از روستائیان نشستیم:

آقای رمضان منوچهری: " ۶ سال هست که "محمد گرشاسبی" برای مدیر عاملی انتخاب گردیده است. این شخص به وسیله رشوه به افراد بروی کار آمده - محمد گرشاسبی به نام افراد ده از شرکت تعاونی وام می گرفت و خودش از آن استفاده می کرد. کود، گندم، بذر و سم از شرکت تعاونی می گرفت و در بازار آن را می فروخت. به نام زابلی ها وام می گرفت و خودش استفاده می کرد. در هر حال ما مدیر عامل سابق را قبول نداریم. چنانچه دوباره سر کار بیاید ما شرکت را منحل خواهیم کرد."

حسن دماوندی: " هر فرد برای عضویت ۳۰۰ تومن به شرکت تعاونی پول داده است ولی از آن استفاده نکرده است. ما می گوئیم مرکز شرکت تعاونی باید در "گلغرا" باشد. مدیر عامل در کنار شرکت تعاونی را در میزازه اش به قیمت گران می فروشد ..."

نبی الله منوچهری: " سزاوار نیست که ما عضو شرکت تعاونی باشیم ولی خواربار به ما نرسد و یا به قیمت گران

" گلغرا " روستائی است که در حدود ۴۰ کیلو متری گرگان واقع شده و حدوداً ۱۰۰ خانوار در آن زندگی می کنند. روستائیان این ده از بسیاری از کمبود ها و اجحافات که در زمان طاغوت به آنها شده رنج می برند. آنها روستائیان آگاه و با شهامت هستند و متحداً در انقلاب شرکت داشتند. آنها انتظار دارند که انقلاب کنونی به سودشان تمام شود و کمبودهایشان برطرف گردد.

در حال حاضر مهمترین مسئله های که درگیر آن هستند مسئله شرکت تعاونی است. " گلغرا " در مرکز ۸ روستا قرار دارد که دارای یک شرکت مشترک تعاونی می باشند. در حدود ۶ سال پیش آمدند برای این روستاها شرکت تعاونی درست کردند قرار بود که " گلغرا " مرکز شرکت باشد. اما مدیر عامل (محمد گرشاسبی) مرکز شرکت را به ده خود (باغو) که در مرکز این ۸ روستا واقع نشده، انتقال داد.

در روزیکه این گزارش تهیه می شد، آقای عادل (سرپرست شرکت های تعاونی منطقه) جهت رسیدگی به وضع این شرکت به " گلغرا " آمده بود. اهالی می گفتند: " تا زمانی که ده گلغرا مرکز شرکت تعاونی نشود و تا زمانی که محمد گرشاسبی سر کار است ما هیچگونه انتخابات و شرکت تعاونی

این مبارزه تا شیر به سزائی در اهالی آبادیهای فصب شده از طرف " شرکت سهامی زراعی " رضا پهلوی به جا گذاشت. اولین سهامداری که بهره برداری از زمین خود را آغاز کرد آقای علی مراد بابائی بود که از طرف هیئت مدیره در دوران طاغوت تحریکاتی علیه وی صورت گرفته بود. اعضای هیئت مدیره در حالی که زمین های دهات خود را با امکانات موجود در شرکت به زیر کشت برده بودند، توجهی به زمینهای آبادیهای دیگر و سهامداران دیگر نداشتند. سهامداران جزء هم از ترس تحریکات ماوران و تبلیغاتی از قبیل اینکه هر که زمینهایش را بذر باشی نمایند "ضد مملکت"، "خرابکار" است، زمینهایشان را گذاشتند که بماند.

فرو پاشی شرکت سهامی از هم، تجاوزات و فرصت طلبی های هیئت مدیره و بی چیزی سهامداران جزء سبب گردید که بسیاری از زمینهای روستائیان که هیچ گونه پناه و پشتیبانی در شرکت نداشتند، بدون کشف باقی بماند و لطمه ی بزرگی هم به تولیدات کشاورزی بخورد و هم به وضع اقتصادی نا بسامان روستائیان فقیر این منطقه.

اخیراً (بعد از انقلاب) در جلسه ای که سهامداران این شرکت (رضا پهلوی) با استاندار کرمانشاهان و فرماندار قصر شیرین برگزار نمودند، این شرکت منحل شده اعلام گردید (که در عمل نیز چنین بود) و زمینها به سهامداران تحویل گردید تا از سال آینده و به طور مستقل به بهره برداری مشغول گردند.

لازم به تذکر است که تولیدات زمینهای که در امسال در هر آبادی زیر کشت رفته بر اساس سهام سابق سهامداران بین روستائیان همان آبادی تقسیم می شود.

نکته دیگر اینکه عده ای از سلف خرها با سوء استفاده از مشکلات روستائیان این منطقه با حقه بازی به اسم کمک به اهالی، گندم را به قیمت ۴۶ ریال از آنان خریداری کرده که تحویل سیلوهای دولتی بدهند و در مقابل از هر من ۲ ریال حق الزحمه دریافت دارند. در حالی که پس از بستن قرار دادها و تحویل گندم معلوم شد که گندم را به نرخ ۵۶ ریال به سلیمو می فروشند. اکنون دهقانان این شرکت خواستهای خود را چنین بیان کرده اند:

- ۱- ما کشاورزان شرکت سهامی زراعی رضا پهلوی سابق این خواستهها را داریم: ۱- از دولت تقاضا داریم تصفیه حساب ما را از اموال نقدی و غیر نقدی شرکت سهامی زراعی رضا پهلوی سابق که منحل شده است تمام کند.
- ۲- ما خواستار شرکت تعاونی در روستا هستیم.
- ۳- ما مدت ۲ سال است هشتاد هزار تومان در اداره برق قصر شیرین واریز کرده ایم، تقاضا داریم آب و برق برای ما

اتفاق هیئت مدیره از آنان در مهمانسرای که برای این گونه میهمانان ساخته شده بود، پذیرائی می کرد و به هیچ کس اجازه ملاقات و صحبت کردن با هیئت های بازرسی داده نمی شد مگر روستائیان را که به گونه ای تطمیع و یا تهدید کرده بودند که چیزی جز آنچه آنان می خواهند نگویند.

در همین منطقه چندین شرکت دیگر هم، به زور و با اعمال نفوذ و قدرت قهریه ریزم طاغوتی بوجود آمد. مثل "شرکت سهامی زراعی کیوان"، "شرکت سهامی زراعی دالاهو"، "شرکت سهامی زراعی ذهاب" با ۲۶ پارچه آبادی و "شرکت سهامی زراعی شاهین".

به خاطر تجارب زیادی که آقای مهندس دیبا در بهره کشی و زور گوئی به روستائیان داشت، او را به سرپرستی تمام شرکت ها انتخاب کردند. از موازید دیگر ستم به روستائیان در دوران ریزم طاغوت و در ادامه سیاستهای خائنانه کشاورزی آن، ایجاد "شهرک" بود در سال ۱۳۵۱ در این منطقه دولت اقدام به ساختن این گونه شهرکها نمود. قرار شد یکی از این شهرکها در روستاهای زیر پوشش "شرکت سهامی زراعی رضا پهلوی" بنا گردد. این اقدام دولت با مخالفت وسیع روستائیان مواجه گردید، چرا که زمینهای زیر کشت دهقانان از

مدیره و مخبراتی شرکت، عنصر مغفور و چاپلوسی که از افتخاراتش چند مرتبه "شرفیابی" به "دربار" همراه خانواده برای اعلام چاکری است. این شخص در مدت تصدی ۱۲ ساله گذشته اش تمام اعضای خانواده خود را در شرکت به کار گمارده بود و از این طریق نیز انحصار بوجود آورده بود.

۲- حاجی مراد بهرامی - ۳- محمدا میری - ۴- عبدالله رستمی - ۵- رستم مرادی - ۶- رستم یاری که این افراد نیز از عمان ستم و تجاوز به روستائیان بوده اند.

در پائیز سال ۱۳۵۷ اهالی آبادیهای اطراف "قلعه شاهین" که زمینهایشان در انحصار دو شرکت "کیوان" و "شاهین" قرار داشت، به پا خاسته و با درهم ریختن وسایل کشاورزی شرکت، تظاهرات وسیعی علیه تجاوزات عاملین شرکت سهامی و وابستگی سر سپرده ای آن به ریزم طاغوتی براه انداختند و دست به تحمّن زدند. دولت طاغوتی آن زمان موزورانه تلاش میکرد تا از طریق وعده و عیدهای مختلف از طرف وزیر کشاورزی وقت دهقانان را فریب دهد. ولی آنان زیر بار نرفتند. حتی این پیشنهاد دولت که زمینها در اختیار شرکت و مابقی در اختیار روستائیان قرار گیرد، با شکست روبرو گشت و دهقانان زمینهای غصب شده خود را باز پس گرفتند.

روستا هستیم. ۳- ما مدت ۲ سال است هشتاد هزار تومان در اداره برق قصر شیرین واریز کرده ایم، تقاضا داریم آب و برق برای ما بکشند.

۴- مدت ۱۰ سال شرکت زراعی در منطقه بوده است، سالی ۳۵۰ ریال از هر سهامدار گرفته برای حق بیمه ولی بدون دوا و دکتر. در این صورت از این بیمه فقط صاحب سهامدار استفاده کرده است بقیه افراد خانواده خیر.

۵- مبلغ پول مال ساختمان در خزانه شرکت زراعی هست چون ساختمانهای روستای قره بلاغ تکمیل نیست پول را در اختیار خودمان بگذارند.

۶- یکی از خواسته های حیوانات ده به علت شور و شوق به ورزش احتیاج به باشگاه ورزشی است.

۷- نداشتن استخراج آبی.

۸- از جاده خاکی تا میان روستا تقریباً ۱۵۰۰ متر مپایاده از میان زمینهای کشاورزی عبور می کنیم، تقاضا داریم جاده برایمان درست بشود.

۹- تشکیل شورای نظارت بر تقسیم مجدد اراضی که مرز بندیهای آن از بین رفته است.

تا زمانی که ده گلفر مرکز شرکت تعاونی نشود و تا زمانی که محمد گرشاسبی سر کار است ما هیچگونه انتخابات و شرکت تعاونی را نمی پذیریم و اگر به خواسته های ما رسیدگی نشود و این شخص دوباره انتخاب گردد ما

مبارزه دهقانی در

دو کوهک (فارس)

بسیاری را باید صرف کنیم. آب کثیف ده امراض زیادی را برای روستائیان می آورد. مدرسه فقط دوره ابتدائی دارد وبعد از این دوره مجبوریم بچه های خود را به "گویم" یا شیراز بفرستیم که اینهمه برای افراد کم بضاعت امکان پذیر نیست. دخترهای ده هیچکدام از ۵ ابتدائی به بالا نخوانده اند. از خود مردم ۱۳۰ هزار تومان جمع کرده و چاه آبی زده اند که میتوان برای آب آشامیدنی از آن استفاده کرد که هنوز هیچ استفاده ای نشده است فعلاً قدری لوله آورده اند داخل مسجد گذاشته اند که معلوم نیست چه وقت میخواهند لوله کشی کنند. دهقانان "دو کوهک" با پشتیبانی از انقلاب خواستارند که هر چه زودتر به مشکلات فراوان آنها رسیدگی شود.

چندی پیش خبرنگار رنجبر به پای صحبت روستائیان دو کوهک نشست و مردم ده از مشکلات و خواسته های خود چنین گفتند.

"دهما دو کوهک در کنار شهر شیراز واقع شده ولی با مشکلات و دشواریهای فراوانی روبرو هستیم و در زمان طاغوت در سخت ترین شرایط اجتماعی زندگی میکردیم. روستای ما ۷۰۰ نفر جمعیت دارد لوله سراسری گاز از کنار ده ما میگذرد ولی با وجود تقاضاهای مکرر به ده ما گاز ندادند در صورتیکه با یک لوله قرعی بسیار کوچک میتوان گاز ده را تأمین کرد.

ده ما حمام ندارد و مجبوریم برای حمام به روستای "گویم" که در ۶ کیلومتری ده ما قرار دارد برویم و از این طریق وقت

خواسته های دهقانان قنات (فارس)

هبین روشنی گردید. طرح شش ماده ای،

- ۱- تقسیم بیلاق و قشلاق
- ۲- تقسیم زمین های سند دار
- ۳- واگذاری زمینهای تخریبی مراتع به صاحبان اصلی
- ۴- قطع تلمبه از آب جوی
- ۵- آزادی رعایا در کرایه تراکتور و کمباین
- ۶- عدم دخالت خوانین در زندگی رعایا و عشایر با نظر سیاه پاسداران شیراز و خوانین امضاء گردیده و قرار است بعد از برداشت محصول گندم دقیقاً اجرا گردد. اما اکنون خوانین هر کدام یک قبضه ۳ و یک قبضه کلشینکف و یک قبضه پنج تیر پران دارند و همواره عشایر بیات را تهدید به چپاول و کمک به یاغیان کنه می نمایند.

ما از مقامات مسئول استان می خواهیم که هر چه زودتر به یاغیگری این فئودالها خاتمه دهند. اما معتقدیم که این تنها دهقانان و عشایر زحمتکش اند که قادرند با متشکل شدن و مقابله با یورش خوانین از حقوق و جان و مال و ناپس خود دفاع کنند.

شده و تمامی زن و فرزندان را چوبکاری و جادوها را به آتش کشیدند.

شکایتی به آیت الله دستغیب و عبدالله کشکولی گزارش گردید که بی نتیجه ماند تا اینکه در فروردین ماه شکایت هایی جامع و مستند به سیاه پاسداران شیراز شد که آنها اقدام کردند و به مدت دو هفته خوانین یاغیگر به کوهها فراری شدند و تهدیدات خود را شروع کردند. پس از دو هفته سیاه پاسداران به شیراز برگشتند. ولی خوانین شبانه در تمام کوجه های ده قنات با رگبار "ژ-۳" و "کلاشینکف" چنان وحشتی ایجاد کردند که اهالی روستا فراری شدند.

اما ناگفته نماند که در مدت یاغیگری این خوانین، تعداد ۱۰۴ راس دام را به یغما بردند. سیاه پاسداران با یک حمله شجاعانه و فوری ۳ نفر به نامهای حاتم خان نادر خان شاه پرست و زکی فخری را دستگیر و به شیراز انتقال دادند که با کمک برخی ر خوانین آزاد گردیدند و دوباره اعمال سبع خود را ادامه دادند تا اینکه شبانه انواری را که در بیلاق تنها مانده بود به تبار گلرگه بستند که منجر به قتل بانو

گزارشی از لامرد (لارستان)

می کند و یک بیمارستان مجهز و دائمی با وسائل و داروهای کافی، برای این منطقه صد و بیست هزار نفری لازم است.

در زمینه آموزشی هم گامهای مثبتی برداشته شده و هم اکنون افراد بومی برای خدمت در منطقه استخدام می شوند. رادیو شیراز اعلام کرد که استاندار فارس همین روزها سفری به منطقه می کند و از چند نقطه آنجا باز دید خواهد کرد.

ما از این اقدامات به عنوان یک امر مثبت استقبال می کنیم، ولی آنچه که لازم به تذکر است به انجام رساندن این طرح - هاست، نه یک طرح اولیه و نه فقط حرف می تواند برای مردم منطقه لامرد لارستان راه و آب و بهداشت بشود، بلکه انجام کارهای اساسی و آنها هم با پیگیری لازم است.

ما از دولت موقت می خواهیم که به خواسته های به حق مردم از دید ترحم و دلسوزی نگاه نکرده بلکه این خواسته های رفاهی را حق مسلم مردم بداند و به آن توجه جدی کند. مردم آماده همه نوع فداکاری و همکاری هستند. با امید موفقیت برای مردم زحمتکش این منطقه.

ما در رنجبر شماره ۱۱ درباره امواض منطقه لامرد لارستان مفصلاً نوشتیم و تا آنجا که ممکن بود سعی کردیم مشکلات و کمبودها و مسائل این منطقه را بر شماریم. هم اکنون پس از گذشت دو ماه از تهیه آن گزارش، لازم می بینیم که اقدامات انجام شده در آن منطقه را هم به عنوان یک امر مثبت ذکر کنیم.

در مورد راه ارتباطی هم اکنون با کوشش شبانه روزی جوانان مبارز منطقه و مساعدت چند مهندس میهن پرست، نقش برداری راه منطقه در حال اتمام است. راهی که اهالی منطقه حیات خود را در گروه آن می بینند و گفته می شود دولت هم یک بودجه ای برای احداث آن اختصاص داده که به زودی کار آن شروع خواهد شد.

در زمینه بهداشت هم اکنون چند گروه بهداشتی و پزشکی از طرف گروههای مبارز و میهن پرست شیراز به منطقه رفته و مشغول خدمت هستند که این خود یک امر مهم و مثبت است ولی کافی نیست. در آن منطقه عدم بهداشت و بیماری هنوز بیداد

درسهای از..

قدرت مند و نو خاسته آمریکا که در لباس به اصطلاح "فرشته آزادی" قدم به قدم مناطق نفوذ امپریالیسم شکست خورده انگلستان را تصاحب می نمود، فراموش شد. وحتی بعضی از رهبران نهضت آزاد آنرا دوستایران می پنداشتند. آنها تنها زمانی به اشتباه خود پی بردند که دیگر خیلی دیر بود.

امروز وضعیت چگونه است؟ انقلاب ایران یک رویداد بزرگ تاریخی است که نه تنها در ایران بلکه در سراسر خاورمیانه و حتی فراتر از آن اثرات خود را به جای گذاشته است. امپریالیسم آمریکا در اثر این انقلاب شکست فاحش خورده است و این بار امپریالیسم شوروی است که در لباس باصطلاح "دوست و حامی" انقلاب اسلامی ایران به میدان آمده و همه عمال بومی و اهرهای بین المللی خود را بکار انداخته جای آمریکا را در ایران بگیرد. و امروز هم هستند کسانی که مانند همان اشتباه ۲۵ سال قبل را مرتکب شده تنها متوجه امپریالیسم شکست خورده آمریکا هستند، از امپریالیسم در حال تهاجم روسیه پی خبرند و حتی خیالات واهی نسبت به آن دارند.

۲- در دوران نهضت ملی به رهبری مصدق هم مانند امروز سه نیروی ناسیونالیست، اسلامی و چپ وجود داشت. میان آن سه نیرو در آن زمان چه جوی حاکم بود؟ جو جدال، بر حسب زنی، نهی یکدیگر، حتی کار شکنی و غیره. رهبران فرصت طلب و سازشکار حزب توده به مصدق این رهبر نهضت ملی بر حسب نوکرا آمریکا، سر سیرده، مدافع دربار و غیره می زدند. رهبران اسلامی چون آیت الله کاشانی در حساس ترین دوره ها اتحاد خود را با مصدق بهم زدند، و مصدق نیز در سرکوب به موقع دربار تغلل ورزید.

توده های خلق بارها به رهبران خود درس وحدت دادند. آنها در قیام ۳۰ تیر ۱۳۳۱ با رد دستور رهبران و با خون خود، صفوف نهضت را بهم جوش دادند. اما رهبران از این درسها نیاوختند و هر چه وضع جلوتر رفت، شکافها وسیع تر شد. مرز میان دوست و دشمن بهم خورده بود. در بسیاری موارد به عوض آنکه همه مشتباعلیبه دشمنان نهضت متوجه شود، بروی سر یکدیگر کوبیده میشد. برای حل اختلافات درون خلقی شیوه حل تضاد با دشمن در پیش گرفته می شد. انتقاد سازنده و خلاق جای خود را به افشاگری و بر حسب زنی داده بود. در یک کلام هنگامی که دشمن غدار علیه نهضت توطئه می چید، صفوف نیروهای سه گانه خلق به جای آنکه هر چه بیشتر فشرده شود، هر چه بیشتر پراکنده می شد. و تنها زمانی به خود آمدند

مسئولیت سنگین

سالهای شناخت برابری کامل زنان و مردان و جلوگیری از هرگونه تبعیض، شناخت حقوق ملیتهای ساکن ایران از جمله خود مختاری در چهارچوب ایران مستقل و یکپارچه، شناخت حق دفاع از خود زحمتمندان بر بیزه حق امتصاب، دادن قدرت بدست شوراها، دهه دهستان، شهر، شهرستان و استان و مجلس شورایی بعنوان عالیترین ارگانهای قدرت در سطح کشور، در قانون اساسی، پیشنهادی سازمان انقلابی مطرح شدند.

نکات مهم دیگری نیز از قبیل محدود کردن مالکیت خصوصی، کمک به زحمتمندان و بویژه کارگران و دهقانان بخاطر گرداندن هر چه بهتر چرخ اقتصاد کشور، ایجاد اقتصاد ملی متکی بخود و شکوفایی. در مبارزه علیه تکیه به خارج و بویژه به دوا بر قدرت، و پیروی از سیاست عدم تعهد در برابر امپریالیستها و دفاع از مبارزات خلقهای جهان. در این سند مطرح گردیدند.

کارزار انتخاباتی برای مجلس بررسی قانون اساسی نشان داد که گرچه این انتخابات در مقایسه با کلیهی انتخابات مخدوش دوران ۵۰ ساله دیکتاتوری سلسله پهلوی آزادی نسبی برخوردار بوده و برای اولین بار نیروهای مختلف حق بیان آزاد نظرات خود را یافتند، مع الوصف سیر وقایع حاکی از این بود که هنوز گمبوه های جدی وجود دارد و مداخلات ناپسند و انحصار طلبانه برخی از نیروهای سیاسی باعث شد که مردم با شورو شوقی که زمینهی دفاع از جمهوری اسلامی ایران و تدوین قانون اساسی باشد، در انتخابات شرکت نکنند. اجحانات متعددی از جانب انحصار طلبان در حق نیروهای درون خلقی صورت گرفت که به پیچوجبه قابل توجیه نمیباشد.

مردم ما و بخصوص سپاه عظیم میلیونی زحمتمندان و در درجه اول کارگران و دهقانان بار انقلاب را بدوش کشیدند. انقلاب موظف است به خواسته های آنان بدون تردید و درنگ جواب دهد. اکنون پس از گذشت ۶ ماه از زندگی انقلاب زحمتمندان به حق نگران آنند که آیا "مجلس خبرگان" شایستگی آنرا خواهد یافت که با اندیشه به منافع اکثریت عظیم خلق و با حرکت از آن دست به تدوین قانون اساسی بزند یا اینکه قانون اساسی را در چهار چوب نظرات تنگ قشری ویا مسلکی محدود ساخته و از آن حربهای نه در ادامه بلکه در جلوگیری از حرکت چرخهای انقلاب سازد.

بنابراین مسئولیت سنگینی بر کرده ی کلیه نمایندگان مجلس خبرگان گذاشته شده است و سر بلند بیرون آمدن از این وظیفه ملی و تهیه قانونی که منافع خلق را تا مین کند برای آنها وظیفه های بس سنگین است. بهمین دلیل ما پیشنهاد می کنیم که با کنار گذاشتن انحصار طلبی و بانظر دوختن

زنجیر

مهمین ما توسط امپریالیستهای روسی. اما در ازای این گاز دولت ایران ذوب آهنی دریافت کرد که به قول سخنگوی دولت که در مصاحبه مطبوعاتی خود در روز ۱۶ فروردین ۱۳۵۸ به آن اشاره کرد، ۶ میلیارد تومان خرج و ۲ میلیارد تومان در آمد دارد یعنی اگر این ۴ میلیارد ضرر را با ۲۶۴/۶ میلیون دلار ضرر فروش گاز جمع بزنیم می شود: ۴ میلیارد و دو بیست و شصت و چهار و شش میلیون دلار غارت سالانه بیت المال مردم ایران توسط امپریالیستهای روسی. به راستی که این معامله پایا پای خوبی برای امپریالیستهای روسی است و با توسعه کارخانه ذوب آهن و ازدیاد فروش گاز "بهرتر" هم خواهد شد.

اما بیستیم علت ضرر ذوب آهن روسی همانگونه که امپریالیستهای روسی و نوکرانشان دار و دسته کیانوری و شرکا مدعی اند، کار نکردن کارگران ایرانی است و ... یا استعمارگری و چپاول امپریالیستهای روسی؟ علت این ضرر کاملا واضح است. بنحلی که امپریالیستهای روسی به نام کارخانه ذوب آهن به ما غالب کرده اند با تکنیک ۴۰ سال پیش کار می کنند، روسها خودشان برای خود کارخانه ذوب آهن گازی می سازند اما برای ما ذوب آهنی که سوختش ذغال سنگ است!

ذغال سنگ اکنون دیگر در هیچ کدام از کارخانه های نوین ذوب آهن در سطح جهان به عنوان سوخت مصرف نمی شود و سیستم کوره های مرتفع دیگر در سراسر جهان غیر اقتصادی و مفتضح ارزیابی شده است. ذغال سنگ به عنوان سوخت مصرفی پس از احتراق خاکستر و مواد زائد دارد، دستگاه های مصرف کننده را مستهلک می نماید، امکان عرضه مدام آن موجود نیست، مشکل انبار کردن دارد، محیط زیست را آلوده می کند و ... در صورتی که ذوب آهن گازی از طریق سیستم احیاء مستقیم و بولاد اسفنجی هیچ کدام از این عیوب را ندارد و راندمان کار آن قابل مقایسه با سیستم کوره مرتفعه نیست.

در ثانی خوب است بدانیم که لوله گاز رسانی به شوروی از ۲۷ کیلو متری اصفهان می گذرد اما ذغال سنگ مورد احتیاج ذوب آهن بنجل روسی باید از کرمان (فاصله ۶۰۰ کیلو متری) با مخارج زاید الوصفی به اصفهان آورده شود.

ثالثا لازم به یاد آوری است که امپریالیستهای روسی بر طبق قرارداد ۱۳۴۲ متعهد بودند تولید را در دو مرحله، مرحله اول ۶۰۰ هزار تن در سال و مرحله دوم ۱۰۲۰۰۰۰۰ تن در سال برسانند در صورتی که امروز پس از گذشت ۱۴ سال تولید فقط به سطح ۵۰۰ هزار تن نزدیک شده است. رابعا آهن تولیدی کارخانه اصفهان گر چه سبکتر است ولی ضیف تر نیز می باشد. خاسا تولید کارخانه ذوب آهن اصفهان

تعیین کند این سرمایه ها را از کجا آورده. * قربان ایلیات: "من عضو شرکت تعاونی هستم با وامی که از شرکت تعاونی گرفتم ۳ هزار تومن گاو خریدم - به خاطر اینکه وام را پرداخت نمایم گاوا را ۲۰۰۰ تومن فروختم و ۱۰۰۰ تومن ضرر کردم که الان دو سال هست به من وام نمی دهند."

* قربان علی منوچهری: "۵۰۰۰ تومن وام بدکار بودم که بعد از دو سال ۶۹۹۰ تومن پرداخت نمودم برای پرداخت این بهره گاو واسم را فروختم. اما غیر از این مسئله شرکت تعاونی کمبود دیگری وجود دارد که اهالی ده در این مورد هم نامه هایی به ادارات نوشته اند ولی رسیدگی نشده است و آن مسئله کمبود آب آشامیدنی و بهداشتی است. این مسئله همگانی است و همه اهالی ده گلغرا در مورد آب در مضیقه هستند. آب آشامیدنی آنها از طریق چاه بدست می آید که از ۱۰۰ خانوار تنها ۵ خانه هستند که دارای چاه و تلمبه اند و بقیه آب آشامیدنی خود را از این ۵ منزل تامین می کنند. این ده سه رشته قنات داشته که با آمدن سیل این قناتها از بین رفته و قرار شده بود از طرف دولت این قناتها را تعمیر کنند که هنوز خبری نیست- آب برای تامین زراعت و شستشو وجود ندارد در مورد لوله کشی و جاده سازی به سازمان محیط زیست استان و اداره راه و ترابری نوشته شده که هیچگونه جوابی نداده. در مورد جاده خود اهالی حاضر نشدند زمینی مجانا" در اختیار بگذارند.

برای مدرسه ابتدائی مقداری آجر، سنگ، ماسه و دیگر مصالح خریداری شده و به آموزش پرورش اطلاع داده شد منتهی جوابی ندادند."

اینها گوشه هایی از کمبود های ده "گلغرا" بود که باز گو کردیم. زحمتمندان این روستا هنوز هم از نظر مدرسه، آب و مسکن در بدترین شرایط بسر میبرند. آنچه را هم که انجام شده به همت کلیه زحمتمندان و دیگر اهالی ده انجام گردیده است. این روستا از دولت آقای بازرگان تقاضای رسیدگی به خواسته های به حق خود را نموده است. ما از خواسته های به حق اهالی "گلغرا" حمایت کرده و متشکل شدن اهالی برای به دست آوردن آنها را راه حل اساسی مسئله می دانیم. بقیه در صفحه ۷

مصاحبه با

پذیرفت. در ۱۸ بهمن ۵۷ "نقشبندی" با فرمانده "توده" - رئیس شهربانی گنبد- زمینداران - ترکمن و غیر ترکمن که روستاییان را بخوابان کشاندند و تظاهرات ضد ملی راه انداختند - نقشبندی از آنجائیکه ضد اسلام و ضد خلق ترکمن بود حتی کسانی که شهید میشدند آنها را مردار میخواند.

وزمینداران سود میبرند و بخاطر همین مسئله سعی می کنند جلوه توطئه های را بگیرند و این توطئه تا جایی پیش رفته که ترکمن را با ترکمن و برادر را با برادر بجان هم میاندازد مانند: کردستان - خوزستان و جاهای دیگر خلق ترکمن بهترین راه را برای رسیدن به حقوقش، راه مبارزه سیاسی میدانند.

دولت آنطور که من احساس می کنم به خلقها اطمینان ندارد نمیدانم چه برنامه های دارد و جهتش چیست؟ بهمین منظور میگویم که در همین منطقه، جهت پاسداری، از جوانان ترکمن انتخاب نکرده اند. کارهای شهر - ماورین - جهاد سازندگی ... بدست جوانان ترکمن نمی سپارند و با برنامه های دیگر. در منطقه ترکمن صحرا با اینکه رژیم تغییر کرده باز هم از غیر ترکمن استفاده می کنند. در این مورد بدبینی هایی ایجاد شده است. این مسائل زمینه را برای هر نوع توطئه چه توطئه آمریکایی چه روسی آماده میکند نمیدانم چه دستهایی وجود دارد. من معتقدم جدا از هر دوا بر قدرت، مستقل و متکی بخود میشود زندگی کرد اگر عده ای معتقد نیستند اشتباه می کنند تا زمانیکه ما وابسته بانها هستیم مستقل نیستیم - نه غرب نه شرق هیچکدام برای ما استقلال نمیآورد ما خودمان میتوانیم خیلی چیزها داشته باشیم منتهی باید رک بود. بحمداله خلق ترکمن وحدت خود را حفظ کرده است. و توطئه های دیگر را که برای ماتداریک دیده اند در سایه وحدتشان بیاری خدا آنها را خنثی خواهند کرد."

بعلت کم بودن وقت و اینکه ایشان کارهای زیادی داشتند ما نتوانستیم همه جانبه بگفتگو بنشینیم ما ضمن پشتیبانی از نظرات ایشان امیدواریم خلق غیر ترکمن با حفظ وحدت و یکپارچگی و پشتیبانی از رهبر ملی - مذهبی آقای "ارزانش" بتوانند قدم بقدم حقوق پایمال شده خود را در کلیه سطوح بدست آورد.

مسلمان نمایی

زانداریهای کوبانی خویش را با ماسک اسلام دوستی و مهره های ایرانیش (دار و دسته کیانوری) را با عنوان متحد جنبش اسلامی به خدمت می گیرد.

ابر قدرت شوروی و نوکران سر سیرده اش، از جمله دار و دسته خائن کیانوری، با طرح تز وجود دو اردوگاه، اردوگاه امپریالیسم و در راس آن امپریالیسم آمریکا، و اردوگاه به اصطلاح سوسیالیسم که تحت رهبری تزارهای نوین گرطین است، می کوشند از تنفری که خلقهای جهان سوم نسبت به امپریالیسم آمریکا دارند سوء استفاده نموده، اردوگاه به اصطلاح سوسیالیسم را "متحد طبیعی" جنبش کشورهای غیر متعهد معرفی نمایند.

هستند عده ای از رهبران و نیروهای فرصت طلب در جهان سوم که کودکانه گمان

که دشمن غدار علیه نهضت توطئه می چید، صفوف نیروهای سه گانه خلق به جای آنکه هر چه بیشتر فشرده شود، هر چه بیشتر پراکنده می شد. و تنها زمانی به خود آمدند که برق سر نیزه استبداد وابسته و جنایتکار بر سرشان سایه افکنده بود.

هم میهنان، خواهیان، برادران و رفقا! اکنون ۶ ماه از پیروزی انقلاب ایران می گذرد. چهار عامل یعنی توطئه های ذواب قدرت امپریالیستی آمریکا و شوروی و عاملان، سر سخنان ضد کمونیست و ضد اسلام مبارز، اخلاص مشی "چپ" روانه و بالاخره مشی انحصار طلبی، هرج و مرج و سببی را در سراسر کشور وجود آورده است. در حالی که امپریالیسم شکست خورده آمریکا توسط عاملش و با همدستی صهیونیستها علیه انقلاب ایران توطئه می چیند، سوسیال امپریالیسم شوروی و عاملش در لباس "دوست" در تلاش اند تا در صفوف انقلاب ایران نفوذ کنند و آن را به سود خود منحرف کنند. این برای کشور ما، برای انقلاب ما و برای خلقهای ما نهنهها خطرناک بلکه هلاکت بار است. درقبال سوسیال امپریالیسم هوشیاری پائین است و در این امر سازمانهای سیاسی و رهبران مسئولیت بزرگی دارند. مسائل و اختلاف نظره های درون صفوف خلقهای ایران به علت اخلاص سرسخنان، مشی های "چپ" روانه و انحصار طلبی، به صورت بر خورد های غیر دموکراتیک و گاه خصمانه در آمده است. به علت تعلل مسئولین امور و سیاستهای نا درست، حقوق ملیتهای ستمدیده ایران نا دیده گرفته شده و نتیجه عکس حاصل گشته و به هرج و مرج و اخلاص درنظم انقلابی ضربه وارد آمده است.

همه این عوامل و وضع سیاسی حساسی را ایجاد نموده است. برای آنکه بار دیگر فافلگیر نشویم، برای آنکه انقلاب را پیروز مندانه ادامه دهیم تنها یک راه وجود دارد: اتحاد بزرگ ملی علیه دوا بر قدرت امپریالیستی آمریکا و شوروی و عمال آنها. اسلام مبارزه، ناسیونالیسم مترقی و سوسیالیسم انقلابی باید متحد شوند و از آزادی و عدالت اجتماعی در خدمت حفظ استقلال ایران در مقابل ابر قدرتها دفاع نمایند. تاریخ همه رهبران، همه احزاب و سازمانهای سیاسی را با این معیار محک خواهد زد.

بگذار متحد شویم و انقلاب را به پیش رانیم.



نی و جهت غیبتی که منبع حق را می کند برای آنها وظیفه های بس سنگین است. بهمین دلیل ما پیشنهاد می کنیم که کنار گذاشتن انحصار طلبی و بانظر دوختن به افق تابناک آینده ای بهتر برای خلق، نمایندگان مسائل زیر را دقیقاً مورد توجه قرار دهند:

- ۱- بررسی دقیق کلیه نظرات ارائه شده و تغذیه از آن در تدوین یک قانون اساسی شایسته عصر کنونی.
 - ۲- توجه جدی به اینکه قانون اساسی در جهت تأمین سه اصل خلق (استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی)، مرز بندی روشنی با امپریالیسم، بویژه دوا بر قدرت آمریکا و شوروی داشته باشد.
- ما در عین حال از کلیه نیروهای اسلامی مبارز، ناسیونالیستی مترقی و سوسیالیستی انقلابی دعوت می کنیم:
- ۱- مبارزه مثبتی را در ادایه های کار تهیه قانون اساسی در پیش گیرند و در مقابل با انحصار طلبان و قشرهای مسلکی، شیوه ناپسند مبارزات برون خلقی را در میان خلق گسترش بدهند، تا حق از باطل تمیز داده شود و خلق دوستان واقعی خود را بشناسد.
 - ۲- با هم به تبادل نظر و همکاری بپردازند و با جلوگیری از هرگونه تفرقه و با احترام به عقاید یکدیگر نظرات و پیشنهادات مشترکی را تهیه کرده و به مجلس خبرگان ارائه دهند. آینده تابناک است، راه بر هیچ و خم.

توسعه صنایع

مفصل بخوان از این مجل.

اما امپریالیستهای روسی که خود از بزرگترین تولید کنندگان گاز در دنیا می باشند، گاز ایران را به بهای هر هزار فوت مکعب ۱۸/۷ سنت از ایران می خردند و به قیمت هر هزار فوت ۴۰ سنت به کشورهای اروپائی می فروشند و بدین ترتیب سالانه ۶۰ میلیون دلار از دلالتی گاز ما سود میبرند. به علاوه در سال ۱۹۷۵ قرار داد سه جانبه ای میان ایران، روسیه، اروپای غربی (آلمان، فرانسه، اتریش) بسته شد که طبق آن گاز ایران از طریق شاه لوله ایران-شوروی به اروپای غربی برسد. برزف و شرکا اینجا نقش دلال و باج سبیل بگیر را بازی کردند یعنی قیمت گاز صادراتی که ۹۶ سنت برای هر هزار فوت مکعب است را به قیمت ۱۷۰ سنت به اروپای غربی می فروشند و بدین ترتیب برای هر هزار فوت مکعب ۷۴ سنت بول دلالتی می گیرند.

این تنها گوشه ای بود از عارتگری کار

به سطح ۵۰۰ هزار تن برسد. راه آنها تولیدی کارخانه اصفهان گر چه سبکتر است ولی ضعیف تر نیز می باشد. خامات تولید کارخانه ذوب آهن اصفهان عمدتاً تیر آهن و محصولات آن نوع آن است و در نتیجه عملکرد یک کارخانه مادر را ندارد.

در اینجا لازم به یاد آوری است که ۲۵۰۰ کارشناس روسی مستقر در اصفهان و تهران می بایست سالهای پیش ایران را ترک می کردند ولی هنوز در خدمت به اهداف امپریالیستهای روسی گور خود را نگ نه کرده اند و تجربه هندوستان نیز ثابت می کند که تا بیرونشان نکنید باقی خواهند ماند.

پس از پیروزی انقلابی که محتوای ضد امپریالیستی داشت، انقلابی که یکی از اساسی ترین خواسته هایش لغو کلیه قرار دادهای اسارت بار امپریالیستی بود، انقلابی که مواضع قاطعی علیه ضد دوا بر قدرت داشت و دارد و یکی از شعارهای اصلی آن "نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی بود". "احیاء" و حتی توسعه قرار داد های استعماری با هر دو ابر قدرت کاری بس نا درست است. مردم میهن ما همچنانکه بارها نیز اعلام کرده اند، خواستار لغو قرار دادهای وابستگی، نابرابری و چپاولگرانه با امپریالیستهای از نوع نفت، گاز و ذوب آهن و... هستند. مردم میهن ما با شعار نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی خواست خویش را مبنی بر کوتاه کردن دست چپاول گران بین المللی از ایران ابراز میدارند.

بر دولت موقت است که بر این مواضع راستین و استقلال طلبانه خلقهای میهن و انقلاب ما تکیه کند و به عوض حفظ و گسترش این قرار دادهای نابرابری با امپریالیستها، به قطع وابستگی های اقتصادی و پندجه های غارتگر ابر قدرتها پرداخته و برای رشد اقتصاد کشور، به سرمایه های ملی و نیروی عظیم زحمتکشان میهن تکیه کند.

مبارزه برای

تنها ۵۰۰ ریالی را ۴۰۰ ریالی بخورم - به ما می گفت اگر کسی قدرت دارد بیاید جلو ما را بگیرد. مدیر عامل خیلی به ما ظلم کرده است. باید به وضع رسیدگی شود.

حاج نادر سیانلو: "باید بیایند وضع مدیر عامل (محمد گرشاسبی) را بازرسی کنند او قبل از اینکه مدیر عامل شود فقط ۲ هکتار زمین داشت در حالی که الان صاحب یک دستگاه منزل به قیمت ۵۰۰ هزار تومن - یک دستگاه ساختمان در باغ ۲۰۰ هزار تومن یک باب هزاره به قیمت ۱۰۰ هزار تومن میباشد. کارشناسی از طرف دولت باید و

راه انداختند - نقش بندی از آنجا که ضد اسلام و ضد خلقی تر کمن بود حتی کسانی که شهید میشدند آنها را مردار میخواند.

بعد از این سخنان، ایشان شروع کردند به توضیح دادن دهقانان و نظراتشان در مورد مالکیت ارضی.

دهقانان که شروع کردند به باز پس گرفتن زمینهای غصبی خود، در اوایل بصورت فردی انجام میدادند و بعداً "بصورت جمعی" و متشکل انجام گرفت. ما میگوئیم زمین از آن کسی است که روی آن کار میکند. در اسلام استعمار درست نیست و این عدم استعمار در فرهنگ ترکمن هم منکس است. اگر کسی بدن سالم دارد باید کار کند. از قبل هم در میان ترکمنها مرسوم بوده که روستائیان زمین را بصورت جمعی میکارند و جمعی استفاده می کنند. بعنوان مثال اگر روستائی ۱۰۰ خانوار دارد هر مقدار زمین در آن روستا وجود داشته باشد آن مقدار زمین در میان خانه ها تقسیم میگردد.

در مورد بازگردانیدن زمینها به روستائیان ما چندین بار به قم و وزارت کشور رفته ایم از طریق تلگراف، نامه سرگشاده اقدام کرده ایم تا کنون هیچ جوابی بسا ن داده اند که البته قول داده اند ولی انجام نشده است. باید بگوئیم که مسئله زمین، مسئله ساز است.

هم اکنون که بانکها ملی شده ما انتظار داریم مسئله زمین را حل کنند و چه بهتر زمین را هم ملی اعلام کنند. ما خواهان اصلاحات ارضی واقعی هستیم. یعنی زمین را در اختیار کسانی بگذارند که روی آن کار میکنند.

در مورد قانون اساسی و مالکیت نظر ایشان این بود که: مالکیت بهر حال محترم است. مالکیت نامحدود نیست و حتماً "حدود" و شرایطی دارد. در پیش نویس قانون اساسی هنوز حدود و شرایط مالکیت معلوم نشده. این مالکیت که در پیش نویس آمده است، یک عبارت مبهم است که جای چون و چرا وجود نداشته باشد.

در مورد اوضاع ترکمن صحرا و شکل سیاسی آن توضیح دادند: حرکتی که در ترکمن صحراست کوتاه کردن دست امپریالیسم و فاسدین و متجاوزین حقوق مردم و حفظ وحدت و همبستگی مردم و خنثی نمودن توطئه ها و دسیسها و تناسل نفاق انگیزان و تفرقه جوین میباشد. روستائیان دارند توجه میشوند امنیت نسبی که در ترکمن صحرا هست، بر همون وحدت خلقی ترکمن است. خلق ترکمن نجاوزگر نیست. طالب هرج و مرج و جنگ هم نیست و آن رشد سیاسی هم رسیده اند که هرج و مرج در منطقه فقط متجاوزین

"متحد بیبی" جنبش کشورهای غیرمتحد معرفی نمایند.

هستند عده ای از رهبران و نیروهای فرصت طلب در جهان سوم که کودکان گمان می کنند قادرند از تضاد بین دوا بر قدرت، برای پیشبرد اهداف خود استفاده کنند و این طرز فکر زمینه ایست برای نفوذ دوا بر قدرت و به ویژه سوسیال امپریالیسم شوروی در کشورهای جهان سوم. تبلیغات ابر قدرت روس و سر سپردگانش که موازنه منفی را رد و در مقابل جنبش غیر متعهد ها وظیفه متحد شدن با اردوگاه به اصطلاح سوسیالیسم را قرار می دهند هم عمدتاً "متوجه این گونه فرصت طلبان است.

ما متقدیم همان طور که آیت الله طالقانی در ملاقات با این هیئت نمایندگی فرمود، کشورهای غیر متعهد باید بدانند که به خودی خود یک قدرت هستند و نیاز ندارند که بعضی از آنها متکی به شرق یا غرب باشند.

این هفته

ما مطمئنیم که این اظهارات برای بسیاری از بینندگان بسیار ناراحت کننده بود، آنهم از زبان کسی چون آقای طباطبائی. زیرا ایشان در گذشته با در پیش گرفتن روش رک گوئی، صداقت و حرکت از مواضع درست، در میان مردم و جبهی خوبی پیدا کرده بودند و از ایشان انتظار توجیه اعمال خلاف دیگران نصیرت، بویژه آنکه صد هاهزار نفر در سراسر ایران شاهد هزاران عمل خلاف در طول انتخابات هفته قبل بوده اند.

ما تنها در اینجا به آوردن دو مثال کوچک از استان فارس بسنده می کنیم:

- ۱- در ده یاکا از توابع فرمانداری اردکان فارس مسئولین صندوق در حالیکه عکس و اعلامیه چهارگانیدای حزب جمهوری اسلامی را همراه داشتند با صدای بلند بین روستائیان تبلیغ میکردند که آقا گفته فقط ما این چهار نفر رای بدهید. بد اعتراض مردم و بازرسان هم توجهی نشده است.

- ۲- در روستای برشت از توابع اردکان فارس روی برگه انتخاباتی قبلاً اساسی چهار کاندیدای این حزب را نوشته بودند و به روستائیان میگفتند، فقط اثر انگشت بزنید.

چنین اظهاراتی آنها از طرف سخنگوی دولت تنها موجب بی اعتمادی مردم میشود و سخنان در ستایششان در دیگر زمینه ها را نیز بنادرستی خدشه دار میسازد.

رنجبر و خوانندگان



رنجبر
ارگان مرکزی سازمان انقلابی سلام بر شما

ضمن عرض سلام پشت کار همه جانبه و خستگی ناپذیر شما را تبریک میگویم و بر همه شهیدان آزاده و مستقل دورد میفرستم .
رفقا من لازم میدانم راجع به طرح بسیار جالب قانون اساسی که از طرف این نشریه بجا رسیده بود تشکر کنم چون این سازمان تنها سازمانی بود که بجای نقیض کردن درباره قانون اساسی عمل کرد و خود قانون اساسی را طرح نمود به راستی که چه زیبا ست و دیگر اینکه کتابچه‌های درباره وضع خرمشهر در اختیار خوانندگان خود قرارداد این هم کار بسیار ارزنده‌ای بود چون روزنامه‌ها بدرستی حقایق را بازگو نکرده بودند و از وسایل ارتباط جمعی اخبار درستی هم که بدست مردم نمی‌رسد همین کتابچه بود که ما را از گیجی اوضاع احوال خرمشهر بیرون آورد چون حقایق را بازگو کرده بود . باز هم از شما متشکرم موفقیت و پیروزی شما آرزوی منست .

یوشهر - شهرام

در ضمن من نامه‌ای داشتم به مادر رفیق شهید تقی سلیمانی چون آدرسی از مادر رفیق نداشتم همراه همین نامه پست کردم تا اینکه اگر شما آدرسی از مادر رفیق داشتید به آدرسی آنها پست کنید و یا اگر ممکن باشد در گوشه‌ای از نشریه جا دهید متشکرم .
امیدوارم که مزاحمتی فراهم نکرده باشم .

نامه‌ات را برای خانم سلیمانی فرستادیم . از اظهار لطف و اینکه ما را در کارمان تشویق کرده‌ای متشکریم . برایت در زندگی و مبارزه موفقیت آرزوی کنیم .

دست اندر کاران نشریه رنجبر درود فراوان بر شما

ابتدا مطلبی دارم در مورد حزب توده ، سپس پرسش در مورد حزب دموکرات و در آخر خواهش و بیان یک احساس ، از مطالب زیر هر کدام قابل چاپ باشد مضایقه نفرمائید . چون سازمان انقلابی بیش از همه به افشاکاری در مورد خیانت‌های حزب توده می‌پردازد و گر چه نقش محافظه کارانه این حزب در قیام حماسه آفرین ۳۰ تیر ۱۳۳۱ بر همگان روشن است اما بد نیست جهت مزید بر اطلاع خوانندگان مطلب زیر یاد آوری و شاید هم افشاگری گردد .
مطلب تحت عنوان : سینه خیز خلع در

رفقای گرامی هفتت نامه رنجبر " ارگان مرکزی سازمان انقلابی "

بعد از سلام و تبریک به خاطر خط مشی درست و انقلابی شما در مورد انقلاب شکره مند ایران و تحلیلهای صحیح از وقایع مختلف اخیر ، می‌خواستم مطلبی را با شما در میان بگذارم .
این مطلب راجع به " حزب دموکرات کردستان ایران " این عامل و مزدور امپریالیسم روسیه و همکاری گروه ها و سازمانهای مختلف چه نما با این حزب می‌باشد . دست پلید این حزب در تمام وقایع کردستان به نحوی دیده می شود (جنگ نرده و حوادث مرپیان) در مورد این حوادث فکر می‌کنم شما بهتر از من نقش این حزب را می دانید ، ولی من می‌خواهم راجع به احتمال همکاری گروهها و سازمانهای مختلف چه نما با این دار و دسته مزدور صحبت کنم .

۱- در مورد وقایع نرده و نقش حزب دموکرات در این جریانات کلیه گروهها و سازمانهای چپ‌نمای منطقه کردستان سکوت کردند . و فقط از ارتجاع شرکت دولت و ارتش انتقاد و افشاگری کردند ولی راجع به ارتجاع کرد و حزب دموکرات که عامل مهمی در جنایات نرده بود هیچ چیزی انتشار ندادند .

۲- حملات چند هفته قبل رادیو و تلویزیون به حزب دموکرات باعث شد که این حزب دست به عکس العمل زند و تظاهراتی در کردستان راه بیندازد که عمدتاً " در شهرهای مهاباد و اطراف آن بود که این تظاهرات با موافقت و احتیاطاً " همکاری جمعیت‌ها و سازمانهای چپ نما بوده است .

۳- در مورد درگیری حزب دموکرات با فئودالهای منطقه جمعیت های کردستان و چپ‌نماهایی اعلامیه‌هایی حمایت ضمنی خود را از حزب دموکرات اعلام کردند .

۴- در مورد جریانات اخیر مرپیان و نقش حزب دموکرات هیچگونه افشاگری از طرف سازمانهای چپ نما نشد . راه پیمایی که برای آزادی اسرا بود ، که از این اسیرها ۹ نفر از ۱۶ نفر حزب دموکراتی بودند ، و به احتمال زیادی حزب دموکرات به طور فعال شرکت نموده است و به نظر من جمعیت‌ها و گروهها و سازمانهای چپ نمای دیگر یا آلت دست این حزب بودند یا با همکاری هم دیگر این جریانات را رهبری می‌کردند .

۵- در مورد انتخابات اخیر ، رابطه‌هایی کشف می‌شود ، بدین ترتیب که اولاً در منطقه استان کردستان (سنندج) حزب دموکرات هیچ نماینده‌ای نداد . نماینده‌ای هم که نداد ، صرفاً نامزدی شوعه بکار کردن تاجران این

شوروی

دستگیر شد .
اتهام ژنرال گریگورنکو و رفقایش در ابتدا " بخش اخبار دروغ " بود که مطابق با ماده ۷۰ قانون جزائی شوروی ۶ تا ۷ سال زندان دارد . اما کا. گ. ب. برای جلوگیری از افشاگرهای بیشتر ژنرال گریگورنکو و هم‌زمانش اعلام کرد که او دیوانه است و اوراوانه " کلینیک روانی " کردند تا بلکه دگترهای آنجا بتوانند او را " به سر عقل " آورند .
اما چون گریگورنکو دست از مقاومت بر نداشت بالاخره در اواخر زمستان ۱۳۴۲ کا. گ. ب. حکم بازداشت او را صادر کرد .

موروشف رئیس سرویس کلینیک روانی سرلسکی که متعلق به کا. گ. ب. است در این کمیسیونی از " دکترها " گزارش داد که " تحول فکری بیمار گونه مریض دارد شکل پابرجایی بخود می‌گیرد . " از آنجا که افکار انقلابی ژنرال گریگورنکو با تئورهای ریزه‌پوینیستهای شوروی تطابق نداشت دکترهای کا. گ. ب. به این نتیجه رسیدند که او " تعادل عقلی به هم خورده است . " دادگاه گریگورنکو به زودی تشکیل شد ولی به خود او اجازه حضور در دادگاه داده نشد و حتی تا مدت‌ها اجازه قرائت رای دادگاه را نیز به او ندادند .
" دادگاه " شوروی گزارش " دکتر " های کا. گ. ب. را تأیید کرد و برای اینکه دادگاه گریگورنکو به صورت یک جریان سیاسی در نیاید دادستان و بازپرس و رئیس دادگاه با هم دست به یکی کردند و کار دادگاه را به سرعت فیصله دادند . گریگورنکو خلع درجه و از کلیه حقوق و مزایای خود محروم شد و به کلینیک روانی لنینگراد اعزام گردید .

ژنرال گریگورنکو تا سال ۱۳۴۴ در زندان بیمارستان روانی بود . در این سال کا. گ. ب. که خیال می‌کرد او را از پای در آورده است اعلام کرد که او " حالچه " شده است و او را آزاد کرد . اما طولی نکشید که ژنرال گریگورنکو بار دیگر مبارزه را از سر گرفت . او در سخنرانی که در سرگور آلکسی کوسترین نویسنده‌ایکه از حقوق ملیت‌های شوروی دفاع می‌کرد نمود خود را " مدافع دموکراسی لنین واقعی " اعلام کرد . او گفت که قصد دارد " ماسک دموکراسی شوروی امروزی را از چهره استبدادی که پشت آن قایم شده است " بردارد .

وقتی ارتش شوروی خاک چکسلواکی را اشغال کرد گریگورنکو با بخش اعلامیه هایی این تجاوز امپریالیستی را محکوم کرد و سر به اعتراض برداشت . در سال ۱۳۴۸ وقتی گریگورنکو برای دفاع از حقوق تاتارها به تاشکند رفته بود بار دیگر از طرف کا. گ. ب. دستگیر شد . کا. گ. ب. این دفعه ژنرال گریگورنکو را به بیمارستان روانی ازبکستان فرستاد ولی رئیس این بیمارستان بر خلاف انتظار کا. گ. ب. زیر بار دروغ پردازی نرفت . او در گزارش خود درباره ژنرال نوشت : " گریگورنکو وضع غیر عادی ندارد . رفتارهایش بی‌انگیز عقایدش می‌باشد . استعدادهای شگرفی دارد . در بین اطرافیانش به عنوان یک رهبر مورد قبول است . نگهداشتن او در بیمارستان روانی تنها باعث خراب شدن وضع روحی و جسمی او خواهد شد . " اما این گزارش مورد قبول کا. گ. ب. نبود . بنابراین یک بار دیگر گریگورنکو را به کلینیک خودشان یعنی سرسکی فرستادند . " دکتر " های این کلینیک گزارش باب میل اربابشان را بدین طریق تنظیم کردند : " گریگورنکو در افکار اصلاح طلبانه‌اش لجاجت نشان می‌دهد و استعداد فکری خود را در فشار کامل قرار داده و خود را در یک وضع " پارانوییدی " قرار داده است . " این به اصطلاح " پزشکان " گزارش رئیس بیمارستان تاشکند را نادرست اعلام کردند و چون دادگاه تا شکند نظر داده بود که ژنرال از نظر جزائی قابل تعقیب نیست او را برای مدت سه سال به بیمارستان روانی چرینا کوفسکی منتقل کردند .

بیمارستان چرینا کوفسکی در یک زندان قرار دارد . گریگورنکو با یک قاتل زندانی هم سلول بود . او بعدها زندگانی خود را در این " بیمارستان " این طور تشریح کرد :
" زندانیان غذایم را مخصوصاً دیر می‌آورد . داد و فریاد می‌کرد . کتکم می زد گلویم را می‌فشرد ، دستم را پیچ می داد و به پای زخمی‌لگد می‌زد . آگرا " پیراهن مخصوص دیوانه‌ها را تنم می‌کرد و مرا این طرف و آن طرف می‌کشید . من تا آنجا که زور و نیزه داشتم مقاومت می‌کردم . به خاطر بدی تغذیه در اکثر روزها دل‌دردهای وحشتناکی می‌گرفتم . زندان‌بانها به من می‌گفتند که اگر دست از افکارم بردارم شکنجه را قطع خواهند کرد . ولی من جواب می‌دادم . " عقاید مثل دستکش نیستند که هر روز بتوان عوضشان کرد .

گریگورنکو مدت سه سال به اصطلاح در " بیمارستان روانی " چریناکوفسکی زندانی بود . در این مدت او چنان پیر و ضعیف شد که کا. گ. ب. بالاخره نظر داد دیگر از جانب گریگورنکو خطری وجود ندارد . از طرف دیگر داستان ژنرال قهرمان ارتش شوروی به خارج از مرزهای کشور نفوذ کرده و سر و صدای زیادی پیرامون او در غرب بلند شده بود . باین خاطر در پایان دوره سه ساله ، کا. گ. ب. ژنرال گریگورنکو را به کلینیک معمولی تروپچاکا منتقل کرد .
به علت فشار افکار عمده ، حیانه انتقاداتی که از همه طرف از دانشناسان در

روشن است اما بد نیست جهت مزید بر اطلاع خوانندگان مطلب زیر یاد آوری و شاید هم افشاگری گردد.

مطلبی تحت عنوان: پیروزی خلق در آوردگاه سی تیره! از آقای محمدعلی عسوفی (که گویا کاندید مجلس خیرگان شده اند) که در اطلاعات روز ۲۸ تیر چاپ شده بود، نویسنده ضمن پرداختن به قیام ۳۰ تیر اشاره‌ای هم به نقش حزب توده نموده بود. « مبارزات توده‌ای و هوا داران جبهه ملی را در ۳۰ تیر در میدان بهارستان " که به نظر نویسنده " حزب توده ایران در سازمان دهی این اتحاد بزرگترین نقش را ایفاء کرد " که نویسنده عمداً چنین مطلبی را در بطن موضوع گنجانده بود ولی اجتماع و تظاهرات حزب توده در بعد از ظهر ۳۰ تیر بوده است چیزی پس از آنکه رهبران حزب کاملاًطمینان پیدا کرده بودند که قوام السلطنه استعفاء داده است چنین تظاهراتی را در میدان بهارستان انجام داده بودند. وگرنه در ۲۷ و ۲۸ تیر هیچگونه اقدامی از طرف حزب انجام نگرفته بود، گر چه ماهیت ضد خلقی حزب توده ایران بر همگان روشن است با این همه عده‌ای (که انتظاری هم از حزب دارند) به چنین تلاشهای مذبحانهای دست می‌زنند ولی غافل از اینکه دم خروس از لای قبایشان پیدا است.

پرستی داشتیم در مورد حزب دموکرات کردستان و آذربایجان، البته نه در گذشته بلکه حالا آن طور که من می‌دانم حزبی است زیونیستی و وابسته به شوروی، مطلبی که

کارشان باقیمانده و اخراج یا بیگانه‌اند) از جمله کارکنان صنعت نفت و ما شاهد بودیم که این کارکنان بخصوص کارگران با چه نیروی وصف ناپذیری شروع بکار کردن تاجران این عقب ماندگی را بکنند و در دو ماه این کار را کردند تا آنجا که نفت ما را به کشورهای خارج فرستادند و پولش را نیز دریافت کردند اما در این مدت خبری از آن پول نشده و هر روز کارگران ما نفت صادر می‌کنند اگر مقایسه کنیم می‌بینیم نسبت به سابق (رژیم سفور پهلوی) نفت کمی صادر می‌کنیم و لی پول بیشتری می‌گیریم یعنی قبلاً " هر بشکه ۱۲ دلار می‌فروختیم اما حالا در حدود ۲۰ الی ۲۴ دلار می‌فروشیم یا کمی بالا و پایین اما کشور ما هیچ فرقی نکرده یعنی ما سر جای اولمان هستیم کسی هم در این مورد توضیحی نمیدهد که این پول چه میشود با این همه پولی که از فروش نفت دریافت می‌کنیم چکار کردیم. من تعجب می‌کنم که چرا شما این موضوع را ندیده گرفته‌اید؟ شما با کارگران پالایشگاه مرتب مصاحبه می‌کنید، حرف من از شما میخواهم که در این مورد تحقیق کرده و توضیح دهید.

متشکرم (بوشهر)

دوست گرامی: انتقادات را می‌پذیریم و برای برآوردن تقاضایی که کرده‌ای هر چه زودتر دست بکار شده و تحقیق و بررسی خواهیم کرد و اگر به نتیجه رسیدیم حتماً آنرا در رنجبر منتشر خواهیم کرد.

کشف می‌شود، بدین ترتیب که اولاً در منطقه استان کردستان (سنندج) حزب دموکرات هیچ نماینده‌ای نمی‌دهد و نماینده‌ی چریکها و نیز برادر شیخ عزالدین حسینی (شیخ جلال الدین حسینی) به نفع صادق وزیر و یوسف اردلان کنار می‌روند. و در آذربایجان غربی حزب دموکرات نماینده می‌دهد ولی با کمال تعجب جمعیت ها و چریکها هیچ نماینده نمی‌دهد.

همچنین جمعیت کردهای مقیم مرکز طی آگهی در آیندگان به کرد ها پیشنهاد می‌کند که در کرمانشاه به " شلتوکی "، در سنندج به صادق وزیر و اردلان و در مهاباد به قاسم‌لو و داز و دستفروش را بدهند. آیا واقعا " این جریانات نشان نمی‌دهد که این آقایان چپ نما در خفا با این عاملان سوسیال امپریالیسم بر علیه دولت ملی اتحاد بسته‌اند. از شما رفقای " رنجبر " و " سازمان انقلابی " می‌خواهم راجع به این وقایع و نقش حزب دموکرات و روسیه در کردستان و همکاری گروهها و سازمانهای چپ نمایانان تحقیق و بررسی شود. و تحلیلی دقیق ارائه گردد و آنها را افشاء نمائید. و از این راه خدمتی به پرولتاریا و خلقهای قهرمان ایران و انقلاب ایران بنمائید.

با آرزوی موفقیت هر چه بیشتر شما در امر پیشبرد انقلاب
ب - چ ۵۸/۵/۱۵

مرزهای کشور نفوذ کرده و سر و صدای زیادی پیرامون او در غرب بلند شده بود. با این خاطر در پایان دوره سه ساله، کا.گ.ب. ژنرال گریگورنکو را به کلینیک "مولوی تروپچکایا" منتقل کرد.

به علت فشار افکار عمومی جهان و انتقادهایی که از همه طرف از روانشناسی در شوروی می‌شد کا.گ.ب. مجبور شد اجازه ملاقات با ژنرال گریگورنکو را به دو روانشناس اروپایی بدهد. دکتر " لیت از انگلستان و دکتر برز " از سوئد برای ملاقات با ژنرال به شوروی رفتند. اما به آنها فقط اجازه ده دقیقه مکالمه با ژنرال داده شد. گریگورنکو فقط فرصت کرد به دو روانشناس اروپایی توضیح دهد که در کلینیک جدید حالتی بهتر است. نتیجه این شد که دو روانشناس اروپایی اعلام کردند که از دادن نظریه درباره وضع گریگورنکو معذورند. اما بعد از بازگشت به کشورشان این دو روانشناس با کمال حیرت مشاهده کردند که خبر گزار تاس شوروی این طور گزارش داده است: " پرفسور لیت و پرفسور برز ملاحظه کردند که گریگورنکو حقیقتاً " مریض است و بدین ترتیب بر تشخیص هم مسلکان روسی خود صحه گذاشتند. " این دروغ پردازی خبیر گزار وابسته به کا.گ.ب. سبب شد که سر و صدای بیشتری در مورد داستان ژنرال گریگورنکو بلند شود تا آنجا که کا.گ.ب. مجبور شد صحنه سازی جدیدی براه بیندازد. باین ترتیب در سال ۱۳۵۲ دو نفر از خبر نگاران مجله اشترن به نامهای ربرت لیک و کلاوز لیمکه را به شوروی دعوت کردند و با تهیه کردن یک پرونده ساختگی کوشیدند آنان را فریب بدهند. یکی از پزشکان کلینیک روانی سربسکی که خود مأمور فریب دادن روزنامه نگاران آلمانی شده بود بعد از این واقعه دیگر کاسه صبرش لب ریز شد و با استفاده از یک فرصت مناسب از شوروی گریخت. این شخصی که پرفسور نوویکف نام دارد در این باره می‌گوید: " مدتها بود که نمی‌فهمیدم چرا در حالی که برزنف سعی می‌کند یک سیاست خارجی مسالمت آمیز داشته باشد از طرف دیگر دامنه سرکوب را در داخل کشور شدت و گسترش میدهد. در سال ۱۹۷۳ در فریب دادن آگاهانه روزنامه نگاران و روان شناسان غربی نقش مهمی داشتم و در جریان این امر بود که آگاهی سیاسی ام بالا رفت و وجدانم بیدار شد. " پرفسور نوویکف درباره واقعه فریب روزنامه نگاران می‌گوید: " موردشف رئیس کلینیک سربسکی به روزنامه نگاران گفت: " فکر کردم برای رفع هر گونه شک و تردیدی بعضی سندها را به شما نشان دهم. " او آن وقت طومار کاغذ زرد رنگ و رو رفته‌ای را به آنان داد، طومار کاغذی که حکایت از داستان بیماری گریگورنکو می‌کند. . . این غیر از یک حقه بازی چیزی نبود زیرا که دیگر پرفسورهای کلینیک و حتی من به عنوان سر پزشک از بیماری گریگورنکو در هنگام توفش در بخش ۴ هیچ گونه اطلاعی نداشتم. . . داستان بیماری گریگورنکو کلمه به کلمه از یک کتاب روانشناسی کبیه شده بود و " تشخیص " های داده شده با نسخه برداری از این کتاب به زندگی ژنرال در تاریخ های همین مونتاز شده بود. این " تشخیص ها " که به ژنرال گریگورنکو چسبانده شده تارخیفی هستند که هر دانشجوی روانشناسی از حفظ می‌داند. . .

ژنرال گریگورنکو در تابستان سال ۱۳۵۳ از زندان آزاد شد و در آذر ماه ۱۳۵۶ به عنوان " سیاحت " از کشور خارج گردید. پیتز گریگورنکو، وقتی کشور را ترک می‌کرد کیسه‌ای از خاک مین را با خود برد. زیرا می‌دانست که دار و دسته خائن برزنف - کاسیگین دیگر اجازه بازگشت به کشورش را به او نخواهند داد.

تضادهای درون خلق از طرف برخی از مسئولین در شهر اعمال میشود و به نارضایتی دامن میزند، یک عامل هرچ و مرج است. فرصت طلبان "چپ" نامناسب استفاده از تضادهای فوق به آنها دامن زده و موجب هرج و مرج بیشتر می‌گردد.

درین تمام این جریانات نیز فئودالها و عناصر وابسته به رژیم سابق فعال بوده و تلاش می‌کنند با ایجاد تفرقه، یکبار با بسیج مردم علیه "چپ" ها، یکبار با تحریک پرسنل نظامی علیه انقلاب اسلامی، بار دیگر با شایعه پراکنی علیه دادگاههای انقلاب،

به هرج و مرج دامن زده و از آب گل آلود ماهی بگیرند.

وضع ارومیه نشانه مشکلاتی است که در اثر فعالیت عناصر اساسی ایجاد کننده هرج و مرج کنونی بوجود آمده است، یعنی نتیجه اختلال عناصر وابسته به آمریکا و روس سرخستان ضد کمونیست و ضد اسلام، فرصت طلبان باصطلاح "چپ" و بالاخره انحصار طلبان است. تنها با انتقاد و طرد این گرایشات و عناصر نادرست است که میتوان جبهه خلق را علیه امپریالیسم و پایه‌های طبقاتی رژیم سابق متحد نمود و انقلاب را پیروزمندانه ادامه داد.

درگیری در ارومیه

حوادث هفته گذشته در ارومیه نتیجه کار کرد چند جریان است:

- عدم تصفیه و پاکسازی در لشکر ۶۴ ارومیه. این لشکر تقریباً " بصورت دست نخورده باقی مانده (بجز فرماندهاش) این عدم تصفیه، زمینه را برای رشد فعالیتهای انحرافی و مخالف انقلاب اسلامی در ارتش فراهم آورده است.
- از دست دادن برخی از امکانات مادی پرسنل ارتش در مقابل باقی ماندن آن موجب نارضایتی در بخشی از آنان گشته است.
- بخشی از پرسنل ارتش از دخالت کمیته‌ها در امور ارتشی ناراضی بوده و این تضاد دیگری در اوضاع است.
- سیاست انحصار طلبی و حاد کردن

لغو برخی...

برای استقلال کامل میهنمان ایران، لزوم هرچه بیشتر لغو این دو قرارداد، با دو - ابرقدرت آمریکا و شوروی احساس می‌شود و این باید قدم آینده و سریع دولت در راه کسب استقلال کامل کشور از قدرتهای خارجی باشد.

کمکهای خود را به حساب بانکی زیر واریز نمائید:

بانک ملی ایران
تهران - شعبه خیابان ایوانشهر
شماره حساب ۴۵۳۶۸

مبارزه برای

برسد. من الان دارم قند را در شهر کیلویی ۴۵ ریال می‌خرم. حاجی صفر قلی منوچهری (مرد کهنسالی که از دست مدیر عامل خیلی ناراضی بود و شکایت داشت) : " من رفتم از شرکت تعاونی تنباکو بخرم به من نداد و گفت برو از بازار ما بخر که من مجبور شدم

نشانی دفتر رنجبر
تهران - خیابان مصدق
پاشن تراز امیر اکبریم - کوی گودرز
پلاک ۱۶ - تلفن ۶۶۰۵۱۹
نشانی پستی رنجبر - تهران
صندوق پستی ۱۴۰۱ - ۳۱۴

شوروی :

(۱۸)

ک.گ.ب : نسخه روسی سیا

(۲) ارتش شوروی مهمترین تکیه گاه دار و دسته برزنف - کاسیکین برای ادامه دیکتاتوری آنها است. ولی کنترل ارتش که میلیونها زحمتکش تحت عنوان سرباز در آن متشکل شده اند کار آسانی نیست. برای مطیع نگه داشتن ارتش شوروی سازمان پلیس مخفی شوروی، کا.گ.ب. مجهزترین و وسیعترین شعبه خود را در ارتش بوجود آورده است. این شعبه کا.گ.ب. که "ریاست نیروهای مسلح" نامیده می شود خود دوازده شعبه دارد و کلیه قسمت های نیروهای مسلح را تحت کنترل خود گرفته است. وزارت دفاع ستاد ارتش، سرویس اطلاعاتی نظامی، نیروهای هوایی، نیروی دریایی، واحدهای مرزی و غیره همگی تحت کنترل جاسوسان وابسته به "ریاست نیروهای مسلح" هستند. سازمان مخوف کا.گ.ب. با استفاده از این جاسوسان مواضع سیاسی و ایدئولوژیک افسران و سربازان را به طور مداوم واریسی می کند و هر کس را که کوچکترین مخالفتی با رژیم حاکم داشته باشد تصفیه می نماید.

اما ارتش سرخ شوروی نیز مانند بقیه مردم شوروی به مبارزه با دار و دسته خائن برزنف ادامه می دهد. مثلاً در سال ۱۹۶۸ وقتی "مورین امنیتی" کا.گ.ب. منزل سرگرد "گریگ آلتونیان" استاد آکادمی نظامی خارکف را واریسی کردند تعدادی نشریه "گروینکل" که به طور مخفی در روسیه چاپ می شد در خانه اش یافتند. جاسوسان کا.گ.ب. سرگرد آلتونیان را به اتهام فعالیت "ضد شوروی" دستگیر کرده پس از اخراج از ارتش او را به مدت سه سال در اردوگاه کار اجباری زندانی کردند. در ماه مه ۱۹۶۹ سه افسر نیروی دریایی که دست به ایجاد سازمانی به نام "اتحادیه" مبارزه برای کسب حقوق سیاسی "زده بودند بوسیله" جاسوسان کا.گ.ب. دستگیر شدند. این سه افسریکی به ۲ سال زندان، دیگری به ۶ سال و سومی به حبس ابد در بیمارستان محکوم شدند. در طی همان سال ۳۱ افسر دیگر نیروی دریایی بخاطر انتقاداتشان از اشغال چکسلواکی توسط ارتش تجاوزگر امپریالیسم شوروی دستگیر شده و در بیمارستان روانی زندانی گردیدند. اما مشهورترین نمونه مقاومت افسران ارتش سرخ داستان ژنرال گریگورنکو است.

اواخر بهار ۱۳۴۲ است. در میدان ایستگاه قطار کاران مسکو گروهی مشغول پخش اعلامیه هستند. در اعلامیه دار و دسته خروشچف - برزنف افشاء شده اند و در آن سؤال شده "چرا ما به قدر کافی نان نداریم؟" اما پخش اعلامیه نیمه تمام می ماند. عده ای از کسانی که اعلامیه گرفتارند به سرعت از محل دور می شوند ولی "مورین امنیتی" کا.گ.ب. گروه پخش کننده اعلامیه را محاصره می کنند و همه بازداشت می شوند. آنها اعضاء گروه سیاسی "اتحادیه" مبارزه برای ساختمان مجدد لنینیسم" هستند. رهبر آنان ژنرال پیترو گریگورنکو دارنده مدال جنگی "قهرمان اتحاد شوروی" است.

ژنرال گریگورنکو فرزند یک دهقان فقیر است که در سال ۱۳۱۱ به مقام افسری در ارتش سرخ رسید. او در جنگ جهانی دوم دلاورانه علیه ارتش آلمان هیتلری جنگید و زخمی شد. و سپس در جنگ با امپریالیسم زاین شرکت کرده و مجدداً "از قسمت پاهای جروح شد. به خاطر شجاعتها و قهرمانیهایش پیترو گریگورنکو نشان های عالی شوروی یعنی نشان های "پرچم سرخ" و "ستاره سرخ" را دریافت کرد. گریگورنکو در سال ۱۳۳۸ درجه ژنرالی گرفت و در آکادمی نظامی مسکو مشغول تدریس شد.

اما او نتوانست در این شغل خود زیاد دوام بیاورد. توسعه سریع سر کوبی کمونیستها در شوروی و علل مشابه باعث شد که ژنرال گریگورنکو سر به مخالفت با رژیم دار و دسته خائن خروشچف بر دارد. ژنرال گریگورنکو در ابتدا فکر می کرد می تواند از راهبای قانونی برای ایجاد دیمکراسی در حزب کمونیست، دولت و اجتماع شوروی مبارزه کند. اما به زودی بی به اشتباه عمیق خود برد. او پس از انتقادات علنی که از خروشچف کرد در سال ۱۳۴۰ به ناگهان از آکادمی نظامی مسکو اخراج شد و مورد مواخذه و تهدید قرار گرفت. اما ژنرال گریگورنکو نه تنها مبارزه را رها نکرد بلکه آن را تشدید نمود. او به زودی گروه "مبارزه برای ساختمان مجدد لنینیسم" را تشکیل داد و به مقابله با رژیم

روز قدس

روز همبستگی با انقلاب فلسطین

ما از این دعوت امام که بخاطر ایجاد یک جنبش وسیع همبستگی در کشورهای مسلمان جهان با خلق قهرمان فلسطین عمل آمده، قاطعانه پشتیبانی می کنیم. امروز بار دیگر اردوگاههای خلسق رزمنده فلسطین در جنوب لبنان مورد هجوم فاشیستی صهیونیستها قرار گرفته و ابرقدرتها برای بزانبو در آوردن این خلق قهرمان ویا بخدمت خود در آوردن و رام کردن جنبش انقلابی آن در تلاش هستند. خلقهای ایران سالیان سال است که حتی در زیر سر نیزه های اختناق محمدرضا شاه به پشتیبانی از نهضت مقاومت فلسطین و جمع - آوری و ارسال کمک به آن اقدام کرده اند. امروز پشتیبانی از خلق فلسطین معنا و مفهوم مشخص دارد، امروز پس از پیروزی انقلاب، دولت باید تمام امکانات لازم را در اختیار خلق قرار دهد تا مردم بتوانند آزادانه

امام خمینی طی پیامی از حزب محصه ماه رمضان را روز قدس نام گذارند. در این پیام آمده است: "من در طی سالیان دراز خطر اسرائیل غاصب را گوشه مسلمین نمودم که اکنون، این روزها به حملات وحشیانه خود به برادران و خواهران فلسطینی شدت بخشیده است. و بویژه در جنوب لبنان به قصد نابودی مبارزان فلسطینی بیایی خانه وکاشانه ایشان را بمباران می کند، من از عموم مسلمانان جهان و دولت های اسلامی می خواهم که برای کوتاه کردن دست این غاصب و پشتیبانان آن بهم پیوندند و جمیع مسلمانان جهان را دعوت می کنم. آخرین جمعه ماه مبارک رمضان را که از ایام قدر است و میتواند تعیین کننده سرنوشت مردم فلسطین نیز باشد بعنوان روز قدس انتخاب و طی مراسم همبستگی بین المللی مسلمانان را در حمایت از حقوق قانونی مردم مسلمان فلسطین اعلام نمایند"

به خلق فلسطین یاری رسانند، کمکهای خلق ما باید بدون قید و شرط باشد، وحدت و همبستگی خلق فلسطین را تقویت بخشد، و نهضت فلسطین را در موضعی قوی در برابر امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم قرار دهد. از سوی دیگر کمکهای خلق ما باید بتواند به حفظ استقلال جنبش فلسطین در برابر باصطلاح کمکهای ظالمانه و سودجویانه امپریالیسم روسیه خدمت نماید، جنبش فلسطین باید تکیه گاه اصلی اش توده های پابرهنگی فلسطین و در درجه دوم کمک های بی قید و شرط مردم انقلابی کشورهای جهان سوم بخصوص مردم خاورمیانه باشد.

مراسم روز قدس را بعنوان قدمی در تاءبید این همبستگی انقلابی علیه امپریالیسم و صهیونیسم گرامی بداریم و فعالانه در آن شرکت جوئیم.

اعلامیه سازمان

* ۵ سازمان سیاسی جنبش، جنبش مسلمانان مبارز، جنبش انقلابی مردم مسلمان ایران (جاما)، سازمان اسلامی شورا (ساش)، سازمان مجاهدین خلق ایران، طی نامه سرگشاده ای به امام خمینی نقطه نظرهای خود را در مورد انتخابات با اطلاع ایشان رسانده اند. در این نامه نکات مهمی آمده که این سازمان خواستار آمدن آنها در قانون اساسی آینده بوده اند این نکات عبارتند از: تاءکید و تصریح بر محتوای ضد استبدادی و ضد استعماری جمهوری اسلامی، شورایی بودن حکومت، زمین و محصول از آن کسی است که کار کرده و کشته، آزادی همه احزاب و جمعیتها تا مرز قیام مسلحانه، معافیت دهقانان از مالیات و بهره مندی از بیمه و بهداشت و تحصیل رایگان، تساوی حقوق زنان و مردان از لحاظ سیاسی و اقتصادی، منع شکنجه بهر عنوان، عدم محدودیت دادگستری و قضائیه، در گیر نکردن ارتش با مردم، ادغام ژاندارمری و شهربانی و بالاخره اعاده حقوق حقه ملیت ها در چار و ب وحدت و تمامیت ارضی. ما مقتدیم نکات مزبور مترقی و مثبت بوده و در جهت انقلاب و خواست توده ها و خلقهای ایران است.

این سازمانها برابر داشته اند که در آینده موضع خودشان را در مورد سیاست خارجی نیز منتشر خواهند کرد. ما امیدواریم آنها در این زمینه ها نیز از یک خط مشی مستقل و مترقی پیروی کرده بر علیه هر دو ابر قدرت امپریالیستی آمریکا و شوروی موضع گیری نمایند.

مسلمان نمائی ژاندارمهای کوبالی

هفته گذشته اعضای هیات نمایندگی کوبا به ایران آمده و با آیت الله طالقانی ملاقات کرد. نمایندگان کوبا پس از ساعتها بحث و گفتگو پیرامون اسلام و مارکسیست با شعار "زنده باد اسلام" به اصطلاح همبستگی خود را با جمهوری اسلامی ایران اعلام داشتند.

چرا هیات نمایندگی کوبا به ایران آمد و چرا با چند ساعت توضیحات آیت الله طالقانی این مارکسیست های دوآتشفه قلابی، به اصطلاح اسلام دوست شدند؟ هیات نمایندگی کوبا زمانی به میهن ما آمده است که گفترانس کشورهای غیر متعهد در هاوانا (پایتخت کوبا) در ماه آینده بر گزار می شود. این کنفرانس در هنگامی تشکیل می شود که دو ابر قدرت روس و آمریکا در رقابتی سخت برای تقسیم مجدد جهان قرار دارند، زمانی که این دو ابر قدرت جهان را به سوی جنگ جهانی جدید سوق می دهند و هر کدام خواستار جلب کشورهای جهان سوم به سوی خود برای کسب مناطق نفوذ و متحدین بیشتر در صفا آرائی جهانی خود هستند. این کنفرانس بی شک شاهد برخورد های شدیدی خواهد بود، چرا که اکثر کشورهای شرکت کننده (از قاره های آسیا، آفریقا، امریکای لاتین) به نوعی مورد تهاجم و تجاوز و استثمار دو ابر قدرت روس و آمریکا قرار دارند و خواستار آنند که در هیچیک از جناحهای دو گانه (امریکائی و روسی) ثبت نام نکنند. اکثریت کشورهای غیر متعهد به امید یافتن راه صلح جهت

کسب مصونیت بین المللی در مقابل دو ابر قدرت و تبدیل شدن به گوشت دم توپ به رقابت جنون آمیز آنان، در این کنفرانس شرکت می کنند. درست همین خواست کشورهای جهان سوم در تضاد شدیدی با برنامه ریزی ابر قدرتها برای این کنفرانس می باشد. پیچیده نیست که امپریالیستهای روسیه با بکار انداختن کشورهای نظیر کوبا و ویتنام و اعزام هیئت های نمایندگی آنان به چهار گوشه جهان قصد جمع آوری نیرو برای جناح خود دارند. آنها بخصوص از کشورهای نظیر کوبا و ویتنام استفاده می کنند تا شاید سابقه درخشان مبارزاتی مردم این کشورها نقابی باشد برای پنهان داشتن وابستگی آنها به امپریالیستهای روس و نقش دلال واری آنها.

هیات نمایندگی کوبا نیز درست به همین خاطر در ایران شعار زنده باد اسلام را می دهد و در جای دیگر زنده باد کمونیسم روس. خلاصه هر جا به سلیقه حاکمین همانجا. اما این سفر تنها یک هدف ندارد، بلکه هدف دومی را هم که عبارتست از بسط نفوذ امپریالیستهای روسی در ایران، دنبال می کند. امپریالیستهای روسی برای به جنگ می برند. در حالی که دار و دسته ترهگی در افغانستان بی شرمانه امام خمینی را مرتجع می نامند. (رجوع شود به مقاله "انیس در همین شماره") و به جمهوری اسلامی ایران و حشیانه حمله می کند. امپریالیستهای روسیه بقیه در صفحه ۶

توسعه صنایع آهن و فولاد با تکیه بخود یا امپریالیستها؟
 سر انجام بر اساس گفتگوها و پیشنهادات جدید، قرار داد مربوط به توسعه تولید کارخانه ذوب آهن اصفهان تا میزان ۱/۹ میلیون تن، در تاریخ سه شنبه ۱۵ مرداد ۵۸ میان دولت موقت و شوروی امضاء شد.
 این قرار داد نیز یکی از به اصطلاح سوغاتی های جناب آقای مکرری سفیر ایران در شوروی برای خلقهای ایران است.
 پس از پیشنهادات "پر سود" جناب آقای مکرری مبنی بر توسعه فروش گاز که خوشبختانه به جایی نرسید، ایشان مبتکر پیشنهاد ذوب آهن شدند که این بار با موفقیت روبرو شد.
 قرار داد ایجاد کارخانه ذوب آهن، قرار دادی است ظالمانه، نا برابر و صد در صد بضر خلقهای ایران. ادامه و توسعه این قرار داد نه تنها هیچ سودی برای خلق های میهن ما ندارد، بلکه بیت المال ملت را هر چه بیشتر به جیب امپریالیستهای روسی سرازیر می کند. با بررسی مختصر قرار داد ایجاد کارخانه ذوب آهن اولاً خیانت رژیم منقر پهلوی به خلقهای ایران، ثانیاً غارتگری امپریالیستهای روسی و ثالثاً ضرورت لغو این قرار داد روشنتر می گردد.

توسعه صنایع آهن و فولاد با تکیه بخود یا امپریالیستها؟

شاه خائن بین سالهای ۱۳۴۲ تا ۱۳۴۷ (۱۹۶۳ تا ۱۹۶۸) جمعا سه بار بمنظور گسترش روابط رژیم خود با روسها به شوروی سفر کرد. ره آورد او از این سفرها، توسعه حجم بازرگانی ایران و روسیه بود به طوریکه از ۳۰ میلیون روبل به ۱۱۵ میلیون روبل ارتقاء یافت.
 در سال ۱۳۴۷ (۱۹۶۸) امپریالیستهای تازه به دوران رسیده روسی (برژنف و شرکا) یک اعتبار ۷۰۰ میلیون دلاری به شاه می دهند و وامهای چیاولگرانه امپریالیستهای روسی تا همین سال (۱۳۴۷) بالغ بر یک میلیارد دلار می گردد و شاه نیز بهره سالانه آنها را (نزدیک به نیم میلیون دلار) از جیب ملت بیرون کشیده و تقدیم امپریالیستهای روسی می نماید.
 در ۲۳ دی ماه ۱۳۴۴ قرار داد ایران و شوروی در مورد گاز بسته می شود.

شاه خائن بین سالهای ۱۳۴۲ تا ۱۳۴۷ (۱۹۶۳ تا ۱۹۶۸) جمعا سه بار بمنظور گسترش روابط رژیم خود با روسها به شوروی سفر کرد. ره آورد او از این سفرها، توسعه حجم بازرگانی ایران و روسیه بود به طوریکه از ۳۰ میلیون روبل به ۱۱۵ میلیون روبل ارتقاء یافت.
 در سال ۱۳۴۷ (۱۹۶۸) امپریالیستهای تازه به دوران رسیده روسی (برژنف و شرکا) یک اعتبار ۷۰۰ میلیون دلاری به شاه می دهند و وامهای چیاولگرانه امپریالیستهای روسی تا همین سال (۱۳۴۷) بالغ بر یک میلیارد دلار می گردد و شاه نیز بهره سالانه آنها را (نزدیک به نیم میلیون دلار) از جیب ملت بیرون کشیده و تقدیم امپریالیستهای روسی می نماید.
 در ۲۳ دی ماه ۱۳۴۴ قرار داد ایران و شوروی در مورد گاز بسته می شود.

و مترقی پیروی برده بر علیه دوا بر قدرت امپریالیستی آمریکا و شوروی موضع گیری نمایند.

سالگرد فاجعه سینمارکس

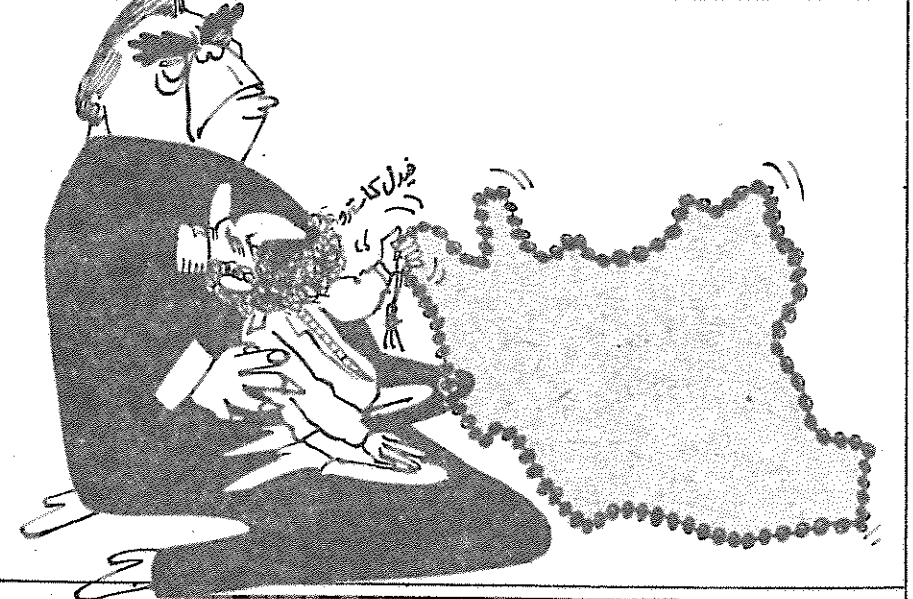
۲۹ مرداد، سالگرد فاجعه سینمارکس آبادان است. فاجعه های هولناک که در آن بیش از ۸۰۰ نفر از هم میهنانمان، در کوره های که رژیم جنایتکار پهلوی بیانه نمود، سوختند و خاکستر شدند.
 شاه جلاد که در زیر ضربات خردکننده مبارزات خلقهای قهرمان ایران قرار داشت، در آخرین تفرقه های خود، با توطئه های که از قبل تدارک دیده بود، سینمارکس آبادان را به آتش کشید. هدف از این جنایت آن بود که با منتسب نمودن این جنایت به انقلابیون و بخصوص مبارزین اسلامی، در صف خلق شکاف اندازد، انقلابیون را بد نام ساخته و به جنبش در حال اوج گرفتن خلق ضربه بزند.

اما توده های میلیونی خلق، سازمانهای مبارز آن و بخصوص خانواده های شهیدای این فاجعه که به خوبی ماهیت پلید رژیم ددمنش و وابسته شاه را می شناختند، از همان ابتدا به افشای این توطئه پرداختند. آنچه را که جنایتکاران پهلوی علیه خلق تدارک دیده بودند به عکس خود تبدیل شد، دامن رژیم جنایتکار شان را گرفت و آتشی کشاند. به حق می توان گفت هوشیاری خلق و افشای ماهیت این جنایت، نقش مهمی در گسترده ساختن مبارزات مردم و منزوی و منفرد ساختن و سر انجام سرنگونی رژیم منقر پهلوی بازی کرد.

اکنون یک سال از این سوگ ملی می گذرد. رژیم جنایت کار وابسته شاه به همت انقلاب شکوهمند سال گذشته، سرنگون شده و خلق پیروزی های بی شماری بدست آورده است. و این بهترین انتقام خلق از جنایتکاران سینمارکس است. اما این کافی نیست، خانواده های داغداری که عزیزان خود را در اثر این جنایت از دست داده اند همچنان خواستار مجازات مسببین آن هستند. خواستی که به حق است و دولت ملی بازرگان باید سریعاً بدان پاسخ دهد.

خلق ما جنایت بزرگ عاملین امپریالیسم در سینمارکس را با بی اعتمادی مطلق به دشمن، فشرده کردن صفوف خود و ادامه مبارزه پاسخ داد. از این تجربه درس بگیریم و مبارزه با امپریالیسم و عاملش را در صفوفی پیروز و متحد تا به آخر به پیش می بریم.

در هیچیک از جناحهای دو گانه (امریکائی و روسی) ثبت نام نکنند. اکثریت کشورهای غیر متعهد به امید یافتن راه صلح جهت



این هفته در تلویزیون

شده است که دیگر قابل چشم پوشی و مسکوت گذاردن نیست در این چند برنامه که تا بحال پخش گردید، اساساً صحبتی در رابطه با ابر قدرت شوروی نشده است، انگار که چنین پدیده های اصلاً موجود نیست و بدتر از آن در سه برنامه متوالی یکی از افراد طرفدار امپریالیسم روسیه را دعوت کرده اند که راجع به حوادث مهم دنیا از جمله، کوبا، پرتغال، انگولا نظر بدهد و میتوان انتظار داشت که چه تحلیلها و تمجیدهایی از امپریالیسم روسیه در ایسن مورد انجام گرفته است، چه هم کوبا دست نشانده روسهاست و هم هیئت حاکمه در انگولا و تازه از حوادث این کشورها و با اصطلاح پیروزیهای آنها نتیجه گیریهای هم برای انقلاب ایران میشود. بنظر ما این تبلیغات آشکار بنبغ امپریالیسم باید فوراً قطع شود.

"سیمای جمهوری اسلامی ایران"، با توجه به پوششی گسترده ای که در سراسر کشور دارد و برای عده زیادی از هم میهنان تنها رسانه های جمعی شفاهی مورد استفاده شان است، از نظر سیاسی و فرهنگی دارای نقش بس مهمی در امر ادامه انقلاب است. لذا، ما از این بس هر از گاهی به بررسی برخی از برنامه های آن خواهیم پرداخت:

برنامه "بررسی مطبوعات" روزهای جمعه از سیمای جمهوری اسلامی ایران پخش میگردد. دستور کار این برنامه تلویزیونی، بررسی مطبوعات جهان از زاویه برخورد به آنها به انقلاب اسلامی ایران است.
 این برنامه تا حال توانسته در مورد تبلیغات زهر آگین امپریالیستهای غربی علیه انقلاب ما و پخش شایعات، افشاکاری بنماید. بنظر ما این برنامه اگر به چند مسئله اساسی و بسیار مهم توجه جدی نماید، میتواند بسیار مشرتمر باشد و در رشد آگاهی سیاسی توده مردم نقش مثبتی ایفا نماید. این مسائل چه هستند:
 ۱ - موضع داشتن در مقابل دوا بر قدرت آمریکا و روسیه و اعمال آنان و افشای توطئه های دوا بر قدرت در رابطه با انقلاب ما.
 ۲ - دعوت از نیروهای مردمی که هم علاقمند به این مسئله هستند و هم توان آن را دارند که به خلاق تر شدن این برنامه کمک نمایند. متأسفانه در مورد مسئله اول قصور بسیار

مهمترین برنامه شنبه شب، صاحب آقای صادق طباطبائی سخنگوی دولت و معاون نخست وزیر بود. مصاحبه کننده سؤال کرد که آیا این اعتراضاتی که در نحوه انتخابات شده است درست است یا نه؟ آقای صادق طباطبائی گفتند به هیچوجه اینطور نبوده است، و این اعتراضات را گروههایی کرده اند که قبل از انتخابات هم گفته بودند. حتماً در نحوه انتخابات اجحاف خواهد شد.
 بقیه در صفحه ۶